

## غلبه بر تعریف ناشدگی، تفکیک غیر شفاف و ساختار نیافتگی روش‌های تحقیق کیفی: راهکاری مبتنی بر تفکیک ابزار از روش پژوهش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

کد مقاله: ۲۳۱۱۱

هادی فرهنگدوست<sup>۱\*</sup>، فائزه نبوی<sup>۲</sup>

### چکیده

مطالعات علوم انسانی در دوران معاصر، روش‌های مختلفی در فرایند انجام پژوهش، برای مسئله تحلیل داده‌های گردآوری شده به منظور دست‌یابی به واقعیت پدیده‌های محیطی و اجتماعی تجربه کرده است. یکی از ریشه‌دارترین این روش‌ها، تحلیل محتوا می‌باشد. هدف پژوهش جاری بررسی کوتاهی بر سیر تحول این روش و بررسی گونه‌ها و بازشناسی جایگاه آن از دید روش‌شناسی، از جمله تفکیک رویکرد از روش‌های موجود، پیرامون استفاده از تحلیل محتوایی برای دستیابی به واقعیت است. بدیهی است توجه به ضرورت افزایش کارایی تحلیل محتوا از طریق تفکیک ابزار (تکنیک) از روش (رویکرد)، ضمن افزایش دقت و کاهش هزینه‌های پژوهشگری، باعث افزایش انطباق بین متن با واقعیت، بواسطه افزایش ارتباط و انطباق بین داده‌های ورودی با اطلاعات استخراج شده می‌گردد. بدین منظور، پژوهش جاری به روش کیفی، ضمن بررسی منابع کتابخانه‌ای به قصد تحلیل و تفسیر روش‌ها و نظرات تحلیل محتوایی، تلاش کرده است نقش روش‌های تحقیق موجود در شکل‌دهی به وجوه نظری واقعیت در متون را، ملاکی جایگزین برای تفکیک رویکرد از روش معرفی کند. کاربرد نگاه اصلاح‌کنندگی و توسعه‌ای بکار گرفته شده در این پژوهش، از یکسو تفاوت و تشابه روش‌های کمی و کیفی را در دستیابی به واقعیت بیان می‌کند، از دیگر سو، همین تفاوت‌ها را ملاک اصلاح شاخص‌های تفکیک بین رویکرد و روش قرار داده است. این نوآوری در یکدست‌سازی رویکردهای پژوهشی بر اساس نقش آنها در فرایند تولید علمی است. در حقیقت، در این پژوهش، شاخصه تفکیک بین رویکردهای پژوهشی، بجای اولویت دادن به فرایند بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوایی، به مسئله نقش تحلیل محتوای متون علمی در فرایندهای ترویج، تطبیق، تولید و اکتشاف علمی توجه دارد. این امر، به خودی خود، نوعی تغییر دیدگاه روش‌شناسی است که ضمن کاهش آمیختگی روش و رویکرد، مسئله انتخاب آگاهانه رویکرد پژوهشی و استفاده هوشمندانه از روش‌های محدود و منعطف بیان شده را سامان می‌بخشد.

واژگان کلیدی: روش تحقیق، روش‌شناسی، رویکرد پژوهش، ابزار پژوهش، واقعیت‌پنداری

۱- کارشناس ارشد معماری اسلامی، گروه هنر و معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا ع، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) [h.farhangdoust@imamreza.ac.ir](mailto:h.farhangdoust@imamreza.ac.ir)

۲- دکتری تخصصی معماری، عضو هیئت علمی گروه معماری، آموزش عالی بینالود، مشهد، ایران

بررسی کلی مطالعات و پژوهش های جاری علوم انسانی در دوران معاصر، نشان دهنده این موضوع مهم است که تولید علم بیشتر از آنکه نوع (حالت) اکتشافی و نظریه پردازی بنیادین پیرامون واقعیات هستی داشته باشد، از نوع زمینه نگر و متکی بر اصلاح، ادغام، تکامل و توسعه ی یافته های پژوهش های موجود است. ماحصل این امر، انباشت دانش در مرحله «شناخت» علمی پدیده ها و روابط بین آنها به عنوان روند کلی در علوم انسانی است (اقتباس از: King & He, 2005). چنین امری در پژوهش های مختلف، نهایتاً محدود به سطح نازلی از میانی نظری و بسنده کردن به پیشینه شناسی مطالعات مرتبط می باشد (Okoli & Schabram, 2010). تکرار این روند درباره شیوه تعریف مسئله و تولید علم، باعث غیر بنیادین، فرعی و سطحی بودن کیفیت و حوزه نفوذ دانش تولید شده درباره واقعیات هستی، و در نتیجه خروج نظریه پردازی و تفکر بنیادگرای علمی از سبب پژوهشگری جامعه علمی میگردد (اقتباس از: Azar & Hashim, 2014).

این درحالی است که برای داشتن یک نگاه و رویکرد سیستمی به علوم انسانی درباره شناخت محتوایی وجوه واقعیت، باید به مرحله بعد از آن نیز توجه داشت. یعنی فهم چگونگی کارکرد و شیوه مواجهه جمعی این عوامل در قالب یک سیستم، با پدیده های مختلف موجود در زندگی بشر. به دیگر سخن، بعد از مرحله شناخت اجزاء و کمیت و کیفیت ارتباط آنها با یکدیگر در رویکرد های پژوهشگری کمی یا کیفی موجود، باید به مرحله بعد یعنی تولید علم از طریق استفاده هدفمند از ابزارهای تحلیل این دانسته ها وارد شد. این امر نیاز به ابزارهای تحقیقی بستر نگر به منظور کشف یا ایجاد ارتباط هدفمند و معنی دار، بین یافته های پژوهشی علوم مختلف در مرحله پسا شناختی است. چنین امری به معنی مسیر گذار از مرحله شناختی به مرحله نظریه پردازی (بنیادین و خصوصاً میان رشته ای)، است که به نظر میرسد نیاز به مرحله ای میانی نیز دارد. یعنی نگاه جزء نگر در یافته های علوم مختلف را از طریق روش های متکی بر اکتشاف و توصیف، یا تلفیق و تبیین مفاهیم، یا با استفاده از نقد آنها، به سمت ادبیات علمی جدیدی سوق دهد که به اختصار آن را رویکرد پسا ساختاری مبتنی بر تفکر سیستمی مینامیم. در حقیقت این امر میتواند این دانش انباشته شده در مرحله شناخت در علوم مختلف را به صورتی هدفمند و در عین حال مستقل از روش تحقیق و نیازهای جزء نگر پژوهش شده در آنها، موضوع بررسی خود قرار دهد. به عنوان مثال در قالب «پژوهش های مرور ساختار یافته»، میتوان راهی برای زمینه یابی (جهت، حوزه نفوذ و توان (کمی و کیفی) محتوایی) مرحله شناخت را ایجاد کرد. زیرا در مرحله گذار از شناخت به نظریه پردازی، هدف کلی این است که به سوالاتی پیچیده تر، بزرگتر و میان رشته ای تری، در نقش یک تحقیق مستقل و اصیل پاسخ دهیم (Mertens, 2014; Okoli & Schabram, 2010).

در این میان، روش (تکنیک) های مختلفی برای استخراج مفاهیم از متون و منابع مختلف، و سامان دهی آنها در قالب موضوعات رشته های علمی، از جمله تکنیک های مختلفی که تحت عنوان کلی «تحلیل محتوایی» وجود دارد. زیرا اساساً، اطلاعات گردآوری شده در تحقیقات (که عمدتاً به شکا کلامی و متن در می آیند)، توصیفهای تحلیلی و ادراکی و طبقه بندی شده میتوان بدست آورد (اقتباس از: دلاور، ۱۳۸۵). از دید روش شناسی باید گفت فرض اصلی در این تکنیک (ابزار) ها این گونه است که، پیام هایی در متن و بطن منابع علمی قرار دارند که با تحلیل محتوایی آنها میتوان به یافته های با سطح معنایی بالاتری همچون «معانی، مفاهیم، شاخص، اولویت، گفتمان و نظام های هستی» که ریشه های موضوعی و کلیات نظری آنها در منابع مختلف (به اندازه ظرفیت وجودی شان) انعکاس یافته، دست یافت (اقتباس از: Wilkinson & Birmingham, 2003: 68). با در نظر گرفتن چنین فرضی، **مسئله** نقش تحلیل محتوا در افزایش کارایی (پیدایش و نقد ایده و نظریات پیشین و جدید) روش های تحقیق کتابخانه ای، که منجر به تولید دانش جدید و عبور از مرحله شناخت علمی میشود، قابل تامل جدی است. در بررسی سیر تحول این گونه ابزارهای تحقیق همچون تحلیل محتوایی، میتوان گفت معرفت شناسی حاصل از آن با توجه به انعطاف بالایی که در مواجهه با شرایط متغییر و متفاوت معارف علمی دارد، درجه اصالت بالایی را دارد. خصوصاً آنکه این کارآمدی و توانایی، در هم سویی با سیر تحول معارف علمی، و بر اساس شناسایی ارتباط، تناقض، کمبود و ناسازگاری مفاهیم و یافته های موجود، ایجاد گردیده است (American Psychological Association, 2013). پس برخاسته از نیازهای پژوهشی و میزان ادراک و معرفت بشری آن دوران است و باعث پیشرفت محتوایی (مسئله و نظریه پردازی) و روشی علمی میگردد (Randolph, 2009). امروزه فارغ از منبع و نوع متن، برخی از این روش ها مثل روش «تحلیل محتوایی» در رشته های گوناگونی همچون جامعه شناسی، روان شناسی و... به عنوان یک روش مفروض شناخته شده و اصلی بهره گرفته میشود (Hsiu-Fang & Shannon, 2005: 1277).

**ضرورت** اصلی انجام این پژوهش دارایی دو وجه است. یکی نیاز به رویکردهای جدید برای تحلیل محتوا و ایجاد مدل های تحقیقاتی در مواجهه با گسترش کمی و کیفی حجم پژوهش ها است (مبیینی دهکردی، ۱۳۹۰)، دیگری انعطاف راهبرد پژوهشی در تحلیل محتوایی به روش کیفی، مثلاً در انواع مرور ساختار یافته یا مرور ادبیات یا جریان شناسی نهفته است. زیرا به دلیل عدم داشتن استاندارد و چارچوب جامع و قواعد پژوهشی دقیق در مرور و زمینه یابی (American Psychological Association, 2007; Carter and Little, 2013)، ابهاماتی در زمینه روش انجام، پایایی و روایی، تعمیم پذیری و ارزش یابی این نوع از تحقیقات، و در کل تفاوت در رویکرد و روش وجود دارد (شهسواری و علم الهدی، ۱۳۹۸: ۸۳).

به دیگر سخن، از آنجا که "روشهای پژوهش، در سطحی بالاتر، برگرفته از نوع نگاه، یا به تعبیری، نوع رویکرد پژوهشگر به موضوع است" (مختارپور و حیدری، ۱۳۹۶: ۷۴)، پس مهارت و معرفت علمی محقق در این نوع تحلیل محتوایی، عامل تعیین

کننده در میزان موفقیت پژوهش در مواجهه صحیح و اتخاذ راهبرد پژوهشی مناسب است (Elo & Kyngas, 2007: 113). پس **بستر شکل‌گیری هدف از مسئله** در این پژوهش این است که میتوان با تفکیک ابزار از رویکرد پژوهشی، به افزایش پایایی و روایی نتایج، و در نتیجه کاهش خطاهای احتمالی ناشی از آمیختگی روش و محتوا به نفع تفکرات پژوهشگر، کمک شایانی کرد. در حقیقت، تحلیل محتوایی که تا قبل از این خود به عنوان یک رویکرد محسوب میشده است، اکنون به عنوان ابزار و روشی منعطف، قابلیت استفاده در انواع رویکرد های مبتنی بر متن را دارد.

براین اساس، **هدف** اصلی این پژوهش، ارائه دسته بندی برای تفکیک بین روش با ابزار های تحلیل محتوایی با رویکرد واقعیت مداری است. یعنی این **سوال** مطرح است که جامعیت رویکرد در مواجهه با بستر کلان واقعیت های پیچیده را، باید چگونه مدیریت کرد که منجر به روش های مطالعاتی متعدد برای شناخت و درک واقعیت های هستی نگردد، بلکه کاربرد یک روش را در زمینه های متعدد این فرایند شناختی و ادراکی (که ممکن است بخش های متفاوت آن در علوم متعدد اتفاق می افتد) افزایش دهد. **کاربرد** مهم نتایج این پژوهش، در کاهش کمی و کیفی نقش پژوهشگر در جهت دهی به فرایند پژوهش، و افزایش شفاف سازی در مراحل انتخاب روش، از طریق گزینش ابزار پژوهشی متناسب با محتوا است. همچنین همسویی و هم جنسی روش پژوهش را در پژوهش های با روش مشابه را افزایش میدهد. بدین صورت امکان هم افزایی بین نتایج آنها و امکان نظریه پردازی های درون و میان رشته ای، فارغ از ناهمسانی احتمالی در ابزار ها را افزایش میابد.

## ۲- پیشینه جریان های مطالعاتی

اگرچه مطالعات روش شناسی از مدل تفکیک روش ها و ابزارهای تحقیقی از رویکرد های پژوهشی، به صورت درون و میان رشته ای، عمر زیادی ندارد<sup>۱</sup>، ولی نقطه عطف آنها توسط ژاولین و واکاری در قالب دو مقاله مجزا (۱۹۹۰م-۱۹۹۳م)، در قالب یک طرح طبقه بندی روش شناختی<sup>۲</sup>، رقم خورد. بدین ترتیب که پژوهش ها را دارای دو رویکرد «روش شناسی تجربی» (Empirical Research Methodology) و «روش شناسی مفهومی» (Conceptual Research Methodology) تشخیص دادند (Jarvelin & Vakkari, 1990-1993) نقل شده در: مختارپور و حیدری، (۱۳۹۶). که در پژوهش جاری، سعی بر روش شناسی مفهومی درباره تحلیل محتوایی است. پیشینه شناسی در زمینه روش تحقیق تحلیل محتوایی نشان دهنده این است که، استفاده غیر ساختار یافته از تحلیل محتوا (به عنوان یکی از ابزارهای تحقیقی)، در منابع بسیاری به فریود و بازه زمانی قرن ۱۹ اشاره میکنند (Kohlbacher, 2006: 3). زیرا در این دوران مجموعه رشته های مرتبط با علوم اجتماعی، تحت تاثیر نگاه اثبات گرایی، به دنبال ایجاد قواعد و الگوهای قابل تعمیم در روابط اجتماعی بود. ولی در اوایل قرن ۲۰م، بصورت تکنیکی ساختار یافته توسط رسانه های جمعی، منجر به تولید بولتن های تحلیل خبر گشت (Mayring, 2003: 266). با خروج این تکنیک از انحصار رسانه ای، دو روانشناس آمریکایی<sup>۳</sup> از این روش به عنوان تکنیکی مستقل استفاده کردند (Holloway, 1997: 37).

ساختاریافته این تکنیک به عنوان یک روش پژوهشی شامل بیان اهداف و روش های پردازش آماری (Giles, 2002: 198)، برای توصیف محتوای ظاهری و عینی پدیده ها بصورت نظام مند<sup>۴</sup>، در کتاب «تحلیل محتوا در تحقیق ارتباطی» در سال ۱۹۵۲م، توسط برسلون به سرانجام رسید (Berelson, 1971: 15). از لحاظ فلسفه علم این روش، در دهه ۱۹۶۰ بود که اثبات گرایی های این چینی، توسط اندیشمندان علوم تجربی و اجتماعی مورد نقد جدی قرار گرفت (Holloway & Wheeler, 1996: 2)، و موجب ایجاد نیاز به نگاه و گفتمان های کیفی در فلسفه علم پست مدرن گردید<sup>۵</sup>.

به دیگر سخن، در واکنش به کمی گرایی این تکنیک، و نیاز به ملاحظیات چند وجهی در زندگی فردی و اجتماعی انسان (Jankowski & Jensen, 2002: 121)، کراکوتر<sup>۶</sup> مقاله «چالش تحلیل محتوای کیفی» را نگاشت (Kohlbacher, 2006). نکته اصلی او در بیان نقطه ضعف تحلیل های کمی، اشاره به محدودیت بررسی پدیده های رایج در زندگی بشر است که در بیشتر موارد تحت تاثیر چندین متغیر با روابط پیچیده اند، و استفاده از روش های تحلیل کمی، خطا و ناکارآمدی زیادی برای شناخت و نتیجه گیری در بر دارد (Kracauer, 1952). حال آنکه بنیان روش های تحقیق کیفی بر فهم شیوه ادراک و معرفت شناسی افراد و اجتماعات بنیان نهاده شده است (Holloway & Wheeler, 1996: 2).

در زمینه استفاده عملی از تحلیل محتوای کیفی (جدول ۱)، اولین بار فیلیپ مایرینگ (Phillip Mayring) در دهه ۸۰ م، اثری در زمینه آثار روانشناختی بیکاری در جامعه منتشر کرد که الهام بخش این رویه برای پژوهشگران مطالعات اجتماعی در سال

۱ از جمله تلاش های انجمن آموزش کتابداری و اطلاع رسانی (Association for Library and Information Science & Education (ALISE) در قالب فراخوان مسابقات مقاله نویسی در حوزه پژوهش از سال ۱۹۹۷م در ایالات متحده آمریکا، و حمایت های "بخش نظریه و پژوهش کتابخانه ای ایفلا" از سال ۱۹۹۳م تحت عنوان نشست هایی در سراسر دنیا (مختارپور و حیدری، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۵).

۲ اگرچه این جدول بر اساس پژوهش های منتشر شده در علم اطلاعات و دانش شناسی است، ولی با توجه به مشابهت علوم انسانی و تاثیر همه آنها از روند کلی علم و فلسفه علم پست مدرنیست، قابلیت تعمیم غیر آماری به سایر رشته های علوم انسانی را نیز دارد.

۳ Bernard Berelson & Paul Lazarsfeld

۴ مبتنی بر کدگذاری و دسته بندی داده ها و توجه به عینیت بصری یا زبانی آنها (Giles, 2002: 198)

۵ مثلا پارادایم تفسیری که خود را در فلسفه دپلتای، جامعه شناسی و مفهوم تفهیم مارکس وبر، روانشناسی اجتماعی مید، و تاریخ نشان داد (کوزر، ۱۳۸۳: ۳۳۲-۳۳۵).

۶ Siegfried Kracauer

های بعد شد (Kohlbacher, 2006: 9). به هر صورت، در جریان فکری جامعه علمی معاصر، پیرامون نقش عمومی روش‌های تحقیق کلی نگر مثل تحلیل محتوایی، اگرچه تلاش‌هایی برای نگاه سیستماتیک و عمیق‌تر به آنها صورت گرفته است (Okoli & Schabram, 2010)، ولی بر اساس نقش مفصل و مقدماتی بین مرحله تولید علم شناختی با مرحله تولید علم بنیادین، شکل گرفته است. در حالی که نتایج این گونه تحقیقات، بیشتر از نقش مفصل مانند، خود دارای نقشی مستقل هستند که ماحصل تلاش‌های گذشته را برای تصمیم‌گیری درست، جامع‌نگر، سیستماتیک و به روز فراهم می‌کنند.

### جدول ۱- زمینه‌های کاربرد تحلیل محتوا در انواع رویکردهای پژوهشی (منبع: قاسمی، ۱۴۰۰: ۲۸۲)

ردیف	انواع	توضیح
۱	شرح کیفی محتوای پیام	شرح مفهومی از محتوا مانند مطالعه فهرمانان داستان و بررسی تغییرات رفتار آن‌ها
۲	توصیف کمی محتوای پیام	توصیف ویژگی‌های ساختاری محتوای پیام به صورت مقطعی یا طولی
۳	توصیف الگوها یا روندها در رسانه	طبقه‌بندی محتوای رسانه مانند خشونت و چگونگی نمایش آن
۴	استنباط از سازنده محتوا	بررسی سیاست‌های رسانه، دسته‌بندی و کمی کردن جنبه‌های غالب تولید محتوا بر اساس دستور کار رسانه، شناسایی اهداف پنهان تولیدکنندگان محتوا
۵	استنباط از مخاطب محتوا	ارزشیابی میزان پوشش گروه‌های خاص از جامعه یا تأکید بر شمارش میزان پوشش آن‌ها مانند بررسی فراوانی پوشش رسانه از مرد و زن، گروه سنی، گروه اقلیت و...
۶	پیش‌بینی اثرات محتوا در مخاطبان	پیش‌بینی واکنش گیرنده پیام و آثار رسانه‌ها با تأکید بر نظریه کاشت، مانند آثار تبلیغات و همبستگی بین نتایج تحلیل محتوا و رفتار مخاطبین مانند رأی‌دهی و پرخاشگری
۷	استنتاج از سوابق ارتباطات	بررسی روند تغییرات محتوای یک رسانه در طول زمان
۸	استنتاج ویژگی‌های ارتباطات	میزان همخوانی محتوا با ماهیت رسانه مانند رعایت هویت محلی بودن رسانه در محتوا
۹	روان‌سنجی	تفسیر و ترجمه متون مصاحبه با بیماران و یا اظهارات آنان

همچنین نتایج این گونه تحقیقات از لحاظ محتوایی نیز، انعطاف تولید علم را نسبت به بستر سیال، فرایندی و متغیر امروزی فراهم می‌کنند. پس اصالت محتوایی بالایی نیز دارند، که در منابع روش تحقیق به جنبه‌های مختلف نقش این تحقیقات در تولید علم میان رشته‌ای کمتر پرداخته شده است. غلبه تصور مفصل‌گونه‌ای بر نقش مستقل و با اصالت درباره این گونه روش‌های تحقیق، باعث شده است که غالباً عدم ساختار یافتگی در این روش‌ها باقی بماند.

### ۳- ادبیات تحقیق

اگرچه روش‌های تحلیل محتوایی هم در شیوه کمی و هم کیفی وجود دارند، ولی آشکارترین جایگاه بهره‌گیری از روش تحلیل محتوایی در مقالات کلان نگر است. متأسفانه در کشور ما، تحقیقات کل نگر (مثلاً تحقیقات مروری)، غالباً به عنوان تحقیقی اصیل و مستقل در نظر گرفته نمی‌شوند و غالباً نگاه کل‌نگری، به منظور بررسی بستر پژوهشی، صرفاً به عنوان بخشی از یک تحقیق دیگر به کار می‌روند (پریخ و فتاحی، ۱۳۸۴). مرور پیشینه تحقیقاتی در این زمینه نشان می‌دهد که تمرکز پژوهشگران بر روش‌های گردآوری و تحلیل مبتنی بر زمینه عملی، باعث گردیده که فرایند مسئله‌پردازی در روش‌های تحقیق حتی در مرحله تولید علم شناختی، متمرکز بر زمینه عینی و انعکاس‌های مشهود باشد، نه متکی بر متن کاوی و روش‌های تحلیل متن گرایانه. یعنی پژوهشگران از نتایج تحلیل محتوایی به عنوان یک ابزار تولید علم زمینه‌نگر، کمتر استفاده می‌کنند، که باعث شده، استفاده سیستماتیک از نتایج و مفاهیم تحقیقات پیشین، کمتر، و حرکت کلی تولید علم، بیشتر در عرض باشد. به دیگر سخن، سلسه مراتب توسعه‌ی رو به جلو و هم‌افزایی علمی در زمینه‌های مطالعاتی، فدای گسترش معنی مفاهیم و شناخت کیفی‌تر از موضوع می‌شود. در این زمینه باید گفت که پژوهشگران بر خلاف نظریه پردازان، غالباً مفاهیم و روش‌های موجود را مورد پذیرش ضمنی قرار می‌دهند و به ندرت، به حوزه نفوذ، کارایی نسبت به موضوع و گستردگی مفاهیم آن موضوع توجه کرده، و نقش آنرا برای

۱ به عنوان مثال امروزه تحلیل محتوا، روشی است توانا که در حوزه‌های متفاوتی چون ارتباطات، جامعه‌شناسی، پزشکی، سلامت و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا قادر است هرگونه داده کلامی، تصویری، چاپی و الکترونیک قابل تحویل به متن نوشتاری را نیز مورد تحلیل قرار دهد. پس حوزه کاربرد آن به روش‌های تحقیق و گردآوری داده‌های متنوع قابل گسترش است (Hsiu-Fang & Shannon, 2005: 1277).

۲ نخستین بار در زمینه تاریخ مطالعات «روش پژوهی»، (Grover et al, 1991) در کنار تحلیل محتوا از روش تحلیل استنادی نیز بهره‌گرفته و متوجه شدند که بیشتر مقالات انتشار یافته ماهیت کمی داشته و چارچوب مفهومی (Conceptual framework) و رویکرد پارادایمی (paradigmatic perspective) در آنها، حلقه مفقوده‌ای مهم و تأثیرگذاری است. بعدها با گسترش دیدگاه‌هایی مثل تفکر سیستماتیک و ورود آن به عرصه روش‌شناسی، این دو مقوله به عنوان لازمه‌های اطلاق عنوان علم، به فعالیت‌های علمی تحت عنوان یک رشته، توسط نظریه پردازان، مورد توافق قرار گرفت. به گونه‌ای که با افزایش گفتمان (پارادایم)‌های مختلف که در علوم مختلف نیز قابلیت استفاده داشتند، لزوم داشتن یک چارچوب کلی علمی (Scientific Framework) برای هر رشته علمی، امری لازم و ضروری، و به معنای ساختاریافته‌ی آن است.

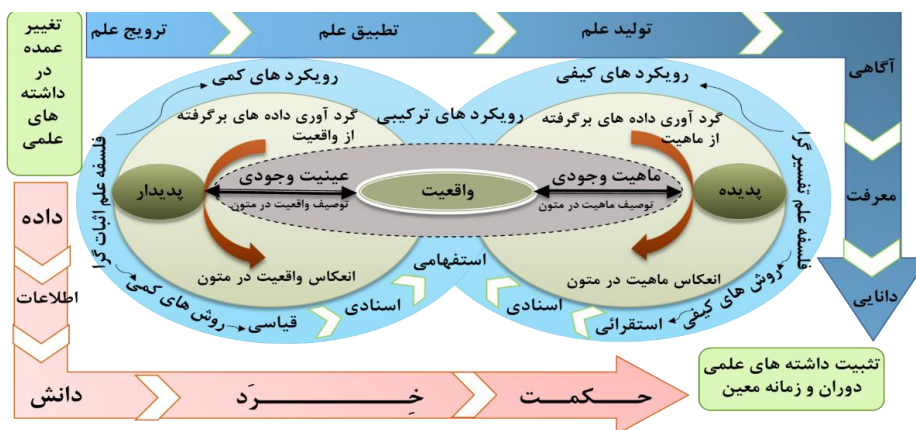
۳ این در حالی است که از یک سو متن به منزله نوعی بستر زبانی است که بازگوکننده واقعیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی است (ویر: ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۲۴) و از سوی دیگر، برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، به تحلیل مفاهیم و نظریه‌های کلان نگر نیازمندیم (بلیکی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

بسترسازی تولید علم در مرحله نظریه پردازی، کمتر مورد توجه قرار می‌دهند (Easterby-Smith, Thorpe, & Jackson, 2008; Bern, 1995; Torracco, 2005; Randolph, 2009). این مهم در حالی است که در دوران معاصر، "در نظریات جامعه شناختی، ما شاهد گذار و حرکت از ساختارگرایی به عاملیت و از کلانگرایی به خردگرایی هستیم" (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰). پس نیاز مبرمی به تغییر در ادبیات، و تفکیک رویکرد از روش در پژوهشگری دوران جدید داریم<sup>۱</sup>.

بر این اساس، استفاده از روش‌های تحلیل محتوایی در منابع روش تحقیق، به اشتباه بجای آنکه به عنوان رویکرد معرفی شوند، هر کدام به صورت مستقل به صورت روش‌هایی معرفی میشوند که در عمل از روش تحلیل محتوایی استفاده میکنند. مثلاً پژوهشگران معتقدند که بعد از معرفی این روش و احاطه روش‌های کمی بر آن تا نیمه قرن ۲۰ م، روش‌های کیفی در درون پست مدرنیسم بدان راه یافت و به عنوان روشی در بسیاری از تحقیقات کیفی نیز مورد استفاده قرار گرفت (اقتباس از: ایمان، ۱۳۸۸؛ قانلی و گلشنی، ۱۳۹۵؛ طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۸۱). پس جای دارد ضمن اصلاح ادبیات پژوهشگری در این زمینه<sup>۲</sup>، آنرا به رویکردی دارای چندین روش ارتقاء داد و دسته بندی‌های موجود درباره رویکردهایی که میتوانند از این روش‌های پیشنهادی استفاده کنند، اصلاح کرد (جدول ۲).<sup>۳</sup>

#### ۴- مقایسه روش تحقیق کمی با کیفی، پیرامون مفهوم واقعیت

تفکیک روش‌های تحقیق کمی و کیفی، صرفاً از جهت تفاوت در مراحل جمع‌آوری یا تحلیل داده‌ها نیست. درحقیقت تفاوت آنها در مفهوم مشترک در علوم، که به نام واقعیت می‌شناسیم میباشد، که تفسیری متفاوت در فلسفه علم و متعاقب آن در روش پژوهش کمی و کیفی دارد (شکل ۱). به گونه‌ای که فلسفه علم را نیز به یک دو قطبی بین نگاه اثبات‌گرایانه پوزیتیویستی (positivism) یا تفسیر و زمینه‌نگر (interpretivism) تبدیل کرده است<sup>۴</sup>. البته نوع سومی که عمل‌گرایی (Pragmatism) نام دارد، امکان استفاده ترکیبی این دو را میدهد، ولی اساس آن بستگی به عینیت‌یافتگی حقایق در قالب واقعیت‌ها دارد و صرفاً فلسفه نظری آن‌ها هنگامی مورد پذیرش قرار میدهد که عینیت‌یافتگی واقعیت برای آن تحقیق یافته و فلسفه وجودی آن قابل دفاع و تبیین باشد<sup>۵</sup> (اقتباس از: بنی یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳).



شکل ۱- چرخه پیشنهادی دستیابی به واقعیت علمی در پژوهش (منبع: نگارندگان)

۱ برخی از پژوهشگران معتقدند، نیاز به این تغییرات، برگرفته از مشکلات مهمی در روش پژوهشگری، حداقل در فضای داخلی کشور است از جمله: (۱) بی‌توجهی پژوهشگران داخلی به لزوم دسته بندی رویکردهای پژوهش؛ (۲) کم توجهی پژوهشگران به میزان مطالعات چندروشی و ترکیبی؛ (۳) آشفتگی وازگانی در شیوه انعکاس وضعیت روش‌شناختی (آذرانفر، ۱۳۸۵؛ سیدین و باب الحوائجی، ۱۳۸۸).  
 ۲ مثلاً (Neondorf, 2016) اشاره میکند که آنجایی که حرف از تحلیل محتوا است، معمولاً از آن به عنوان یک روش نام برده می‌شود، و تحلیل محتوای کمی مدنظر است. با اینحال، هنگامی که در تحلیل داده‌ها به آن اشاره میشود، منظور تحلیل محتوای کیفی است که به گونه ای همان تحلیل مضمون یا تحلیل تم است (ذکر شده در: طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۸۱)  
 ۳ در حین چنین اصلاحاتی در زمینه تفکیک و اصلاح حوزه ادبیات موضوعی و روشی آن، گفتمان واقعیت‌پنداری علمی نیز ملاک تفکیک رویکرد از روش قرار داده شد. این گفتمان معتقد است که هدف و غایت علوم، بهره‌گیری از روش‌هایی است که داده‌های روا و پایا ای را از پدیده‌های هستی منعکس و بازگو کنند تا مسیر رسیدن به حقیقت از طریق گسترش و اصلاح واقعیت‌های علمی، ممکن گردد.  
 ۴ گرچه وجوه فلسفه علم، دلایل وجودی دیگری نیز دارد و محدود به روش‌های پژوهشی نیست.  
 ۵ به دیگر سخن، پراگماتیسم بر اساس فلسفه واقعیت مفید شکل یافته است و حیطة اثبات‌گری پوزیتیویستی خود را صرفاً در موارد به کار میبرد که تفسیر‌گری‌های زمینه‌نگر، توانسته باشند عمل‌گرایی و مفید بودن پدیده (واقعیت) عینیت یافته آن را، نسبت به ارتباط آن واقعیت به سمت حقیقت تبیین کرده باشند (Johnson et al, 2007; McEvoy & Richards, 2006). این در حالی است که بررسی واقعیت به شیوه صرفاً کیفی، شامل کشف ماهیت درونی و معانی آنها (پدیده)، بر پایه گفتمان تفسیری - براساختی است، ولی واقعیت مورد توجه در شیوه صرفاً کمی، وجه عینی بروز یافته آنها (پدیدار) است (اقتباس تکمیل شده از: محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

به عنوان مثال، نگاه کیفی به ماهیت پدیده (واقعیت) ها، به مدل یک کل واحد شکل گرفته است. حال آنکه رویکرد کمی، به عنوان کل متشکل از اجزاء به پدیده ها می نگردد. همچنین در تحلیل های کیفی، رویکرد کلی بر مبنی کشف و سپس توصیف واقعیت ها در قالب ایجاد مدل ها و نقشه های مفهومی است (Elo & Kyngas, 2007: 107)، ولی در تحلیل کمی، تبیین و تئوریزه کردن بخشی از امر واقع، اتفاق می افتد. که خود مستلزم تبیین میزان و کیفیت ارتباط بین محدوده مورد مطالعه با وجوه مختلف و کلیت واقعیت مورد نظر است. چه بسی که نتایج تحقیقات کمی در این مسیر، با تکرار شرایط مشابه یا در مورد موضوعی مشابه که توسط روش های مختلف کمی مورد مطالعه است، باعث تنازع و ناهمگونی در تحلیل بیان شده گردد. که آسیب شناسی دلیل آن و ارزش دهی به نتایج مختلف، خود امری پیچیده و چرخه ای نامطمئن را رقم میزد.

به دیگر سخن، در نگاه کمی که اوج خود را در دوران مدرنیسم (خصوصاً در دهه ۱۹۶۰م) و اثبات گرایی پوزیتیویستی (positivism) تجربه کرد، گرد آوری داده های برگرفته از واقعیت، با نگاهی جزئی نسبت به بستر زمان و مکان انجام میشده و با نگاهی مستقل از روابط انسان و محیط، تحلیلی خطی، غیر دقیق و مواجهه ای مبتنی بر طیف های از پیش تعیین شده با واقعیت دارد. حال آنکه در نگاه کیفی، چنین امری را خلاف واقعیت پیچیده ی پدیده ها میدانند. زیرا همانگونه که کراکاوئر بیان کرده بود، علوم اجتماعی با وجهی از واقعیت در اجتماع مواجه است که رابطه ی غیر قابل تفکیکی از بستر انسانی- محیطی دارد و اصولاً وجه، انعکاس و فرایندی ذهنی نیز دارد. پس جدا انگاری واقعیت از بستر وقوع آن و در ادامه تفسیر های آماری، منجر به نقص و کمبود شناختی - تفسیری (interpretivism) در رابطه با فهم واقعیت های متنوع پدیده ها، از درون و باطن آنها میگردد (Kracauer, 1952; Holloway & Wheeler, 1996: 2).

همین نگاه انتقادی درباره روش های کمی به الگوهای تکرار شونده برای توصیف واقعیت پدیده ها، همچنین کنترل شرایط آن وارد است. این چنین نگاهی از دید کیفی، پیش فرض مطالعاتی و ساده انگاری درباره واقعیت های غالباً پیچیده و چند سویه در عالم هستی است، که باعث فاصله گرفتن از واقعیت وجودی (غالباً پنهان) و محیطی آنها میشود. به دیگر سخن، نمیتوان به توصیف سیستماتیک (سامانه پندار) از صورت آشکار پدیده ها، بدون تحلیل ماهیت و ارتباطات محیطی آنها پرداخت. حال آنکه تحلیل های کیفی، چون بر مبنی زمینه یابی واقعیت ها متمرکز است<sup>۱</sup>، تأثیر کمتری از ادراک پیشینی محقق از وجوه واقعیت یا مفروضات پژوهشی در ذهن محقق، میپذیرد. نکته دیگر نقش عوامل انسانی از جمله خود پژوهشگر در ایجاد فرایند پژوهش مبتنی بر واقعیت است. در روش کمی نیز، مداخله نظر و تفسیر محقق در ایجاد روش تحقیق، باعث فاصله احتمالی بین حالت عقلانی و احتمالاً یافته ها و واقعیت آن میگردد<sup>۲</sup>. زیرا ولو به میزان اندک، از مطلوبیت و روایی نتایج به واسطه عدم بی طرفی کامل در جهت گیری روش تحقیق آنها کاسته میشود<sup>۳</sup>. متعاقب این نکته، بحث پایایی نتایج حاصل از روش کمی مطرح میشود. تحلیل های برگرفته از زمان، مکان و روابط محیطی آنها برای ایجاد تحلیلی آماری، شرایط تکرار ناپذیر و شکننده ای دارند که تعمیم پذیری آنها را بسیار ناممکن و محدود میکند.

در ادامه باید به اهداف و نتایج تفسیر واقعیت مورد انتظار، از این دو روش تحقیق اشاره کرد. در روش های کمی، ماحصل تفسیر، از پیش تعریف شده و الگو تحقیقی مکانیستی، بر فرضیه پیشنهاد شده پیرامون داده های گردآوری شده، دستیابی به اعداد و ارقامی آماری از عینیات پدیده (واقعیت) مورد مطالعه است. ولی نتیجه تفسیرگری داده ها به شیوه کیفی، بر اساس الگوهای ارگانیک، تطبیقی و منعطف پژوهشی، دستیابی به الگوهای ذهنی، مفاهیم و توصیف های ماهیت شناسانه پیرامون آن واقعیت، از طریق بررسی مستقیم داده ها و جمع بندی نظری آنها است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۱۰؛ Zhang & Wildemuth, 2009: 2; Neuendorf, 2002: 52).

نکته بسیار مهم و البته مشترک در روش های تحقیق کمی و کیفی، مسئله انعکاس واقعیت در متون است. بصورت کلی میتوان گفت، واقعیت منعکس شده در متون، فارغ از جنبه توصیف کمی یا کیفی آن، شناسنامه ای از پیامد های به وقوع پیوسته از جنبه های مختلف جامعه انسانی (Socially Situated Product) است (Scott, 1990: 34)، که بصورت غیر مستقیم، کنشگری انسانی را در شکل گیری این بستر اجتماعی به تصویر میکشد (Payne & Payne, 2004) که میتواند چیزی ورای گفتار نظرات شخص پژوهشگر، بلکه مستند به واقع نگری او باشد (Jary & Jary, 1991). این نگاه به مسئولیت و راهبرد پژوهش کیفی، خصوصاً در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی در مکتب شیکاگو، به گونه ای پر رنگ بوده است که روش کیفی را غالباً مبتنی بر سنت شفاهی و مطالعات میدانی میدانستند. به دیگر سخن، کمترین مراجعه ای به متن پژوهش های کیفی داشته اند (Flick et al, )

۱ منظور از آن، همان «تفهم یا درون فهمی» مطرح شده توسط مارکس وبر است که محقق، خود را برای درک بستر فکری آنها، در شرایط فکری (اجتماعی و تاریخی) آنها تصور میکند (کوزر، ۱۳۸۳: ۳۳۲-۳۳۵).

۲ مثلاً از طریق تأکید بر فراوانی یک واحد تحلیل پذیر (واژه، اصطلاح یا مضمون) در متن، بر اساس ارتباط بین فراوانی آماری این واحدها با اهمیت و جایگاه آنها.

۳ «پارادایم تفسیری در علوم اجتماعی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم به طور گسترده مطرح شد. در این پارادایم، واقعیت های اجتماعی ساخته انسان هستند.» (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۵).

۴ کاستون باشلار، راه دست یابی به واقعیت علمی حاصل از پژوهشگری انسانی را غلبه بر پیش داوری، فرایند تحلیل و تفسیر مبتنی بر منطق و عقلانیت، و نهایتاً مقایسه تطبیقی نتایج با عینیت و ماهیت واقعیات میداند (به نقل از: کبوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۱۱).

۵ خصوصاً که در عصر حاضر، ظهور نرم افزارهای آماری که خاصیت تعریف تمامی مراحل پژوهش از نوع داده ها گرفته تا فرایند انجام تحلیل های پژوهشی را دارند، نقش پژوهشگر به وارد کننده داده های اولیه و تعریف کننده دستور العمل انجام مراحل مختلف تحلیل و تفسیر داده ها، محدودیت هوشمندانه ای پیدا کرده است (Alteid, 1987: 65).

285-286: 2004). البته در دهه های اخیر، سنت کیفی به سمت مراجعه به متن به عنوان و تعریف جدیدی از سند (Documents) روی آورده است.

## ۵- مقایسه تحلیل محتوای کمی با کیفی پیرامون مفهوم واقعیت

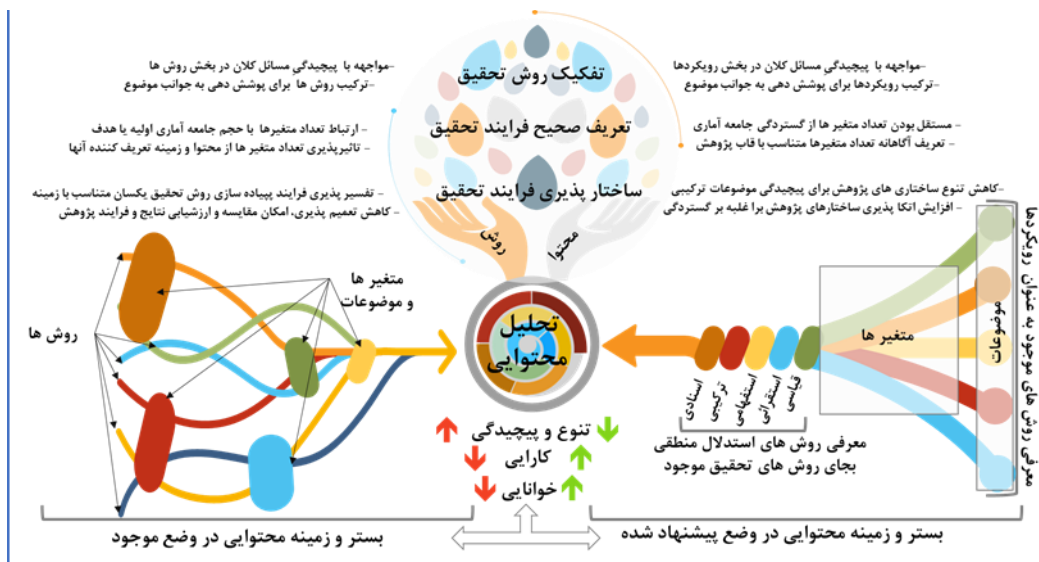
روش تحلیل محتوا، به عنوان روشی منعطف، اشاره به نوع ابزار کار با داده های کمی و کیفی دارد که مسیر و هدف آنها، از نظر وجودی یکسان است. یعنی هر دو روش، هدفی برای دستیابی به نظامی اثبات گرا مبتنی از تفسیر ارتباط بین نمونه های جمع آوری شده دارند. به گونه ای که هر دو روش کمی و کیفی، سه مرحله کلی آماده سازی، ساماندهی و گزارش را دارند (Elo & Kyngas, 2007: 109). ولی در انتخاب منطق حاکم بر رویکرد پژوهشی، متوجه این امر هستند که روش قیاسی از کمیت، تکرار و انتخاب تصادفی نمونه ها منشاء میگیرد ولی روش استقرائی از کیفیت، زمینه و انتخاب هدفمند نمونه ها شکل گرفته است. به دیگر سخن، اتکای روش کیفی به متن برای تحلیل، زمینه را برای تقویت نوع کیفی تحلیل محتوا را نسبت به مدل کمی، فراهم تر کرده است. زیرا همان گونه که در بالا بیان شد، روش های تحقیق کمی، مفاهیم را در قالب اعداد برآمده از فراوانی آنها در محتوا، از متن جدا پنداشته و فرایندی مستقل از متن را برای پردازش آنها طی میکنند. حال آنکه تحلیل محتوای کیفی، به صورت مستقیم با همه اجزای تحقیق ارتباط پیدا میکند (Mayring, 2003: 267) و متناسب با بافت محتوایی آنها بصورتی روشمند و تجربه گرا شکل گرفته (Mayring, 2000: 2)، و با دسته بندی مبتنی بر «مفهوم-کد»، استخوان بندی تفسیر گرای را در فرایند تحقیق ایجاد می کند (Hsiu-Fang & Shannon, 2005: 1279). پژوهشگران معتقدند که تحلیل محتوای کیفی دارای چند رویکرد کلی است (Kohlbacher, 2006: 10):

- خلاصه سازی با حفظ کلیات ساختاری متن (استقراء): با استفاده از مفاهیم جایگزین و کاستن از توضیحات
  - خلاصه سازی با تغییرات مبتنی بر تفسیر (قیاس): تلاش برای ساده سازی و تبیین کلی مفاهیم
  - استحصال سیستماتیک (چرخه ای از استقراء و قیاس): با استفاده از خلاصه سازی و تفسیر نگاری، به دنبال کشف روابط مفهومی و منطقی حاکم بر مفاهیم موجود یا مورد اشاره در متن است.
- نکته جالب در این باره این است که برای تحلیل محتوای کیفی، برخی از پژوهشگران معتقدند که تدوین استراتژی پژوهش، راه را برای حضور یکی از روش های قیاسی یا استقرائی، هموار تر از دیگری میکند (Mayring, 2003). یعنی اینجا دیگر بحث از نوع کمی یا کیفی بودن تحقیق نیست، بلکه پذیرفته شده است که قیاس یا استقراء در تحلیل محتوای کیفی، میتواند به تدوین استراتژی متناسب با متن به صورت ساختار یافته و حتی همزمان بکار گرفته شوند.

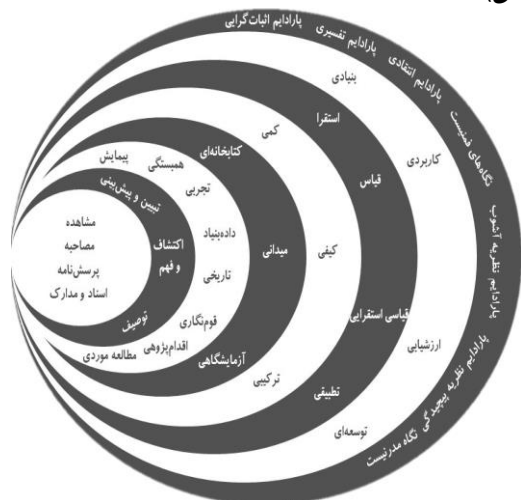
## ۶- تطبیق تحلیل محتوای استقرائی - قیاسی با روش های کیفی - کمی

همانگونه که در دو بخش قبلی نیز اشاره گردید، هدف کلی این روش های تحقیق، دستیابی به وجوه مختلف واقعیت (Fact)، یعنی پدیده (کیفی و استقرائی) و پدیداری (کمی و قیاسی) آن است. این امر با شکل گیری مفاهیم بین رشته ای، خود را به صورت نیاز به روش های تحقیق بین رشته ای آشکار کرده است. یعنی برای شناخت درست و جامع از یک واقعیت، باید ماهیت آن را به صورت سیستماتیک شناخته<sup>۱</sup> و برای ادراک آن باید بتوانیم به روش هایی برای استفاده همزمان از استقراء و قیاس دست پیدا کنیم. به صورت کلی باید دانست که در هر دو رویکرد قیاسی و استقرائی، نقاط قوت و ضعف مشخصی برای امر پژوهش به همراه دارد. رویکرد استقرائی، اگرچه امکان کسب تحلیلی، بدون پیش فرض و مستقیم اطلاعات از دل داده ها را ممکن میسازد، ولی عدم ساختار یافتگی و فرایند های مشخص در این امر، باعث تداخل روش با سایر روش های مشابه ایجاد کرده است. از سویی دیگر، رویکرد قیاسی با توجه به نتایج و مفاهیم تحقیقات پیشین اقدام به طرح مسئله میکند. که احتمال کسب شواهد برای تایید پیش فرض های محقق ساخته، و عدم بررسی جامع موضوعات غیر همسو را نیز افزایش میدهد (اقتباس از تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). ولی آنچه در عمل اتفاق می افتد، استفاده همزمان از این دو منطق تحقیقی در استراتژی های پژوهشی است. زیرا فلسفه علم و روش های تولید علم در حال حاضر، به دلایلی متعددی از جمله گستردگی و پیچیدگی مفاهیم و یافته های علوم پیرامون واقعیت های حیات بشری، نیازمند بهره گیری همزمان از دستاوردهای پیشین (قیاس) و البته استحصال مفاهیم نوین از درون آنها (استقراء) است. این رویکرد ترکیبی، بیشترین نمود خود را در گفتن عمل گرایی (Pragmatism) که منجر به شکستن انحصار اثبات گرایی از نوع روش علمی (پوزیتیویسم) در فلسفه علم نیز شد، شاهد بوده است (اقتباس از: حسینی، ۱۳۹۱). اگر چه ممکن است در مرحله گزارش دهی تولید علم در قالب مقالات، روش تحقیق را به سمت برجسته ترین رویکرد آن بیان کنند. رویکرد تحلیل محتوا، به واسطه فرایند آن، امکان استفاده همزمان و ترکیبی از این دو را دارد. در ادامه این روش های ترکیبی مورد بازشناسی فرایندی قرار میگیرند.

۱ به واسطه این که " حقایق علمی که به طور سیستماتیک به هم وابسته اند و قانونمندی جهان تجربی را بیان می کنند، تحت عناوین قوانین (Laws)، اصول (Principles) یا آکسیومها (Axioms) شناخته می شوند " (آصف زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۵)، پس نیاز به شناختی از جنس خود، یعنی شناخت سیستماتیک یا سامانه نگر نیز هستند.



شکل ۲- مقایسه رویکرد و روش در تحلیل محتوایی از جنبه تاثیر بر تعریف، تفکیک و ساختار پذیری آن (منبع: نگارندگان)



شکل ۳- الگوی پیاز فرایند پژوهش (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۳)

نکته بسیار مهم، آمیختگی روش و رویکرد پژوهش (شکل بالا) در منابع مختلف است. این در حالی است که آنچه تا کنون روش نامیده می شده است، رویکرد است. زیرا رویکرد فقط کمی و کیفی نیست. بلکه کمی و کیفی بودن، کلی ترین حالت رویکرد است ولی رویکردهای زیر، حالت جزئی تری نسبت به آنها دارد، و به عنوان روش هایی معرفی شده اند که قابلیت استفاده در انواع رویکردها بر اساس انتخاب پژوهشگر و بستر محتوایی دارند. به نوعی، این پژوهش لایه ششم از پیاز پژوهش که اشاره به برخی ابزار استدلالی دارد (استقراء، قیاس، قیاسی استقرایی، تطبیقی) را ابزار میدانند نه رویکرد. پس پیشنهاد میکند آنرا به خارجی ترین لایه پیاز پژوهش منتقل کنیم. زیرا با این ابزارها میتوان انواع مختلف این رویکردها و گفتمان ها را در لایه های داخلی این پیاز پژوهش را، با کمترین نیاز به تغییر، به صورت مستقل یا ترکیبی به سرانجام برسانیم.

## ۷- انواع رویکرد های تحلیل محتوایی

ریشه نیاز به تفکیک روش از ابزارهای تحقیق در دوران معاصر از آنجا بود که "دانشمندان، به واسطه تحقیقات، سعی در پاسخگویی به سؤالات دیرین، حصول دانش نوین، توصیف چگونگی کارکرد اشیاء و نهایتاً بهبود شیوه زندگی همه ما میکنند" (مارکزیگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱). بر اساس چنین هدف گذاری، بعد از آنکه آنتونی گیدنز، شکست علوم اجتماعی در قرارگیری به عنوان علم اجتماع (Science of Society) را اعلام کرد، بسیاری از اندیشمندان، فاصله بین واقعیت موجود در اجتماع با واقعیت منعکس در علوم اجتماعی را علت آن دانسته اند (Giddens, 1976:13 cited in Harris,1986).

در ادامه به صورت کلی، اندیشمندان معتقد بودند که ریشه چنین امری داشته های مدون تحت عنوان رشته علمی، به صورت ساختار نیافته است (اقتباس از: طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۶۸). به صورتی که این داشته ها آنگاه میتواند نام علم به خود گیرد که دارای روش شناسی ویژه خود در امر پژوهش به عنوان توسعه دهنده و اصلاح کننده علم باشد (اقتباس از: دی، ۱۳۸۴). انعکاس چنین تفکری در فلسفه علم باعث شد تا اندیشمندان، در روش های تحقیق نیز، رهیافت (رویکرد) های متنوعی را برای دستیابی به حقیقت از طریق شناخت علمی (توصیف، پیش بینی، درک و توضیح) واقعیت ها (Cozby, 1993; Shaughnessy & Zechmeister, 1997)، و عبور از حالت گذار (هنر یا فعالیت علمی ماندن محظ) در پیش گیرند. به گونه ای که همزمان با افزایش دانایی خود از محیط پیرامونی و آگاهی نسبت به پیچیدگی و ارتباط پدیده های هستی، فراتر از همیشه، به سمت رویکرد های نو ترکیب برای گردآوری، تحلیل و جمع بندی تحقیقات خود و دست یابی به امر شناخت واقعیت گرا رفته اند. بر اساس این



تغییر در عملکرد روش های علمی به نظر میرسد، دسته بندی فرایند های پژوهشی باید بجای دسته بندی روش (مثلا کمی و کیفی) به سمت دسته بندی بر اساس رویکرد های آنها در به کار گیری ابزار های پژوهشی پیش روند (جدول ۲).

جدول ۲- دسته بندی پیشنهادی مبتنی بر روش دستیابی به واقعیت علمی برای انواع رویکرد های تحلیل محتوایی (گردآوری: نگارندگان)

منبع	معادل لاتین		نوع رویکرد تحلیلی		
Wilkinson & Birmingham, 2003	conceptual & relational content analysis		رابطه ای و مفهومی		
Hanson et al, 2011; Punch, 2004	Ethnographic Thematic content analysis	Narrative Analysis	تحلیل روایتی تحلیل پدیدارشناسی تحلیل مکالمه تحلیل نشانه شناختی تحلیل داده های مشاهده ای	تحلیل مردم (قوم، قومیت و جامعه) شناسانه تماتیک (موضوعی)	
Alteid, 1987; Tavakol et al., 2012		Phenomenological Analysis			
Wortham, 2001; Silverman, 2005; Punch, 2004; Titscher et al., 2000; Bauer & Gaskall, 2003		Conversation Analysis			
		Semiotic Analysis			
Watherell et al., 2003	Discourse Analysis		تحلیل گفتمان		
Hsiu-Fang & Shannon, 2005	conventional, directed & summative content analysis		متعارف، هدایت شده و تجمعی		
FitzPatrick, 2019	Thick Description		توصیف ضخیم		
Cheng & Philips, 2014; Heaton, 2003;	thematic content analysis (secondary analysis of primary data)	additional in-depth analysis	تحلیل عمیق جهت یافته	متن کاوی موضوعی (تحلیل ثانویه اطلاعات اولیه ۱)	
		additional sub-set analysis	تحلیل گزینش فرعی جهت یافته		
		New erspective/ conceptual focus	بازشناسی نو تحلیلی مقولات موجود		
		Grounded Theory	Straussian		نظام مند
			Glaserian		ظاهر شونده
			constructivist		ساخت گرایانه
	Situational Analysis		تحلیل موقعیتی		
	Dimensinoal Analysis	تحلیل ابعاد			
Tove et al, 2014; Atkins et al, 2008	meta-ethnography		فراقوم نگاری (تحلیل تفسیری)		
Weed, 2005;	meta Interpretation (ideographic)		فرا تفسیر (تحلیل ایده نگارانه)		
Caulley, 1992; Lindsay, 2011; Anderson et al, 2008; Aromataris et al, 2015;	literature and narrative content review (Traditional reviews)	Scoping review	بررسی حوزه نفوذ	اکتشاف ادبیاتی و نقلی	
		Literature Mapping	ساختار شناسی ادبیاتی		
		Conceptual Mapping	ساختار شناسی مفهومی		
		Policy Mapping	ساختار شناسی ماهیتی		
		Stakeholders apping	الگوی نیازسنجی ذینفعان		
		State of the art review	مرور وضعیتی		
Jain & Sharma, 2012; Blackey, 1994; Khangura, 2012; Grant & Booth, 2009	systematic review	Descriptive	Rapid review	سیر تحول نگاری	سیستماتیک
			Umbrella review	الگو و رابطه نگاری شواهد	
			Critical review	انتقادی	
Sandelowski et al, 2006; Cipriani & Geddes, 2003;	systematic review	Explanatory	Best evidence synthesis	بهترین شواهد موضوع	تبیینی
			Mapping review	انطباقی / بازنگری <sup>۳</sup>	
					سنتر پژوهی
					مروری

۱ خود این تحقیقات به دو نوع کلی تقسیم بندی میشوند:

سوال محور (داده برای پاسخ) / Question-driven / داده محور (کشف زمینه داده) Data- driven

۲ overviews of reviews, reviews of reviews, summaries of systematic reviews, or syntheses of reviews

۳ Mapping Evidence Review, Mapping Study, Mapping Review, Mapping Exercise, Systematic Map

منبع	معادل لاتین		نوع رویکرد تحلیلی			
	Friedenreich, 2002; Collins & Fauser, 2005; Torraco, 2005	Structured	Prospectively planned pooled	آینده نگر	تجزیه و تفکیک یافته	
Realist review			واقع گرا (ساختار یافته آمیخته)- نظریات تغییر			
American Heritage, 2011; Morgan, 2003; Magliocca et al, 2015; Haidich, 2010; Pai et al, 2004;	meta study	meta-data analysis	تحلیل فرا داده ای	فرا مطالعه		
		meta-method	فرا روش			
		meta-theory	فرا نظریه			
		meta-analysis based on pooled analysis	فرا تحلیل (فرا مرور ساختار یافته کمی)	تحلیلی		
		Meta-Synthesis	فرا ترکیب (فرا مرور ساختار یافته کیفی)			
Eisenhardt, 1989; Ausburn et al, 2009.		cross-case comparison	مقایسه موردی متقاطع			
نادی راوندی، ۱۳۹۶؛ فیروزکوهی و همکاران، ۱۳۹۹؛ شهسواری و علم الهدی، ۱۳۹۸؛ محمدپور، ۱۳۹۰؛ عزیزی، ۱۳۹۵؛ طبیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸؛ محمد پور، ۱۳۸۸؛ Feyerabend, 2010؛ Wiles et al., 2011						

بررسی کلیت روش شناختی درباره مطالعات علوم انسانی و شیوه کیفی، نشان دهنده دو بعد مفاهیم و مقولات در آنها است. بر این اساس برخی از پژوهشگران اینگونه پژوهش‌ها را بر اساس حوزه نفوذ به سه سطح برد کوتاه (Micro)، متوسط (Meso) و کلان (Macro) تقسیم کرده‌اند. نقش حداکثری مقولات در تحقیقات کلان و نقش حداقلی مفاهیم در آنها، و به صورت مشابه، عکس این وضعیت در تحقیقات برد کوتاه، نشان دهنده ترکیب و نقش معنی داری، از مفاهیم و مقولات، با راهبرد و ساختار پژوهش دارد (اقتباس از: صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۲)، که متناسب با آن، نیاز به ابزارهای پژوهشی متناسبی نیز می‌باشد. نکته مهم این است که بیشترین استفاده از روش تحلیل محتوایی در مقالات مروری مستقل یا مرورساختار یافته در تحقیقات اسنادی اتفاق افتاده است. مقالات مروری که منجر به جریان شناسی محتوایی میشوند، دقیقاً منعکس کننده نقش مفصل گونه تحقیقات مبتنی بر روش تحلیل محتوا هستند. زیرا علاوه بر اشنایی پژوهشگران به مفاهیم، جریانات فکری، سوالات و یافته‌های موجود درباره موضوعات علمی (جدول ۲)، نقشی بستر ساز برای نظریه پردازان میان رشته‌ای دارد. حال آنکه در تحقیقات اسنادی ۲، گفتمان غالب در نوشتارهای مورد مطالعه، بدون واکاوی مقاصد ذهنی نویسنده و تائیل‌های هنرموتیکی پیرامون مفاهیم مستتر در متن، مورد استناد قرار می‌گیرند (R.T: Mogalakwe, 2006:222). به دیگر سخن، تحلیل محتوایی در تحقیقات اسنادی، از گفتمان تفسیری و توصیفی است. همچنین نوع دیگری از تحلیل محتوایی خصوصاً در امر پیشینه‌شناسی و چارچوب نظری در پژوهش‌های معاصر دیده میشود که به پژوهش اسنادی معروف است. اگرچه این روش کیفی است، ولی با توجه به محل به کارگیری آن در کلیات پژوهش، به صورت گسترده‌ای در انواع پژوهش‌های کمی و کیفی، برای دسته بندی، شاخص‌شناسی و سیر تحول، بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری شده متنوع پیشین، به کار گرفته میشود (Stewart & Kamis, 1984:11; Ahmed, 2010:8).

## ۸- انواع روش (تکنیک، ابزار)های تک ساحتی ی تحلیل محتوایی

در حقیقت، تمامی روش‌های تحقیق بیان شده در (جدول ۲)، برای پیاده سازی نیاز به ابزارها و تکنیک‌هایی دارند که تا پیش از این، به آنها هم روش تحقیق گفته میشود. در حالی روش‌های پژوهش‌های فوق، بر حسب زمینه پیاده سازی، امکان استفاده همزمان از برخی از این تکنیک‌های پژوهشی را بصورت همزمان دارند. بر این اساس میتوان به موارد زیر، برای کاربرد ابزارهای تحلیل محتوایی در این دسته بندی‌ها اشاره کرد. بر اساس جمع بندی این نگاه‌های متفاوت (جدول ۳)، میتوان به نکته جدید رسید که رویکردهای پژوهشی فوق، بر اساس ماهیت گفتمانی در زمینه واقعیت‌پنداری، ابزارهای شناختی - تحلیلی متناسب خود را می‌طلبند.

۱ موفقیت مقالات مروری در ایفای نقش بستر سازی برای نظریه پردازی، به هدف گذاری انجام آنها به قصد یافته‌های پژوهشی و نه صرفاً آگاهی از سیر تحول نظریات، وابستگی مستقیم دارد. به هر روی میزان بالای ارجاع به مقالات مروری (Easterby-Smith, Thorpe, & Jackson, 2008)، نشان از موفقیت آنها در نقش اولیه خود، یعنی سیر تحول مفاهیم و جریان شناسی دارد.  
۲ منظور، آن دسته از تحقیقات است که اسناد حاوی اطلاعات مرتبط با موضوع را مورد تحلیل قرار میدهند (Bailey, 1994)

### جدول ۳- مقایسه تطبیقی انواع ابزارهای تحلیل محتوای کیفی از جنبه های فرایند مبتنی بر واقعیت (منبع: نگارندگان)

روش	بُرد	زمینه محتوایی غالب	ماهیت واقعیت	گفتمان غالب
قیاسی	کوتاه	موارد تجربی، نظریه آزمایی، آزمون فرضیات	زمینه ای- شناخت یک وجهی عرضی	رفتارگرایی، اثبات گرایی
استقرائی	متوسط	تحلیل فرایندی، بستر شناسی ساده، شناخت عوامل	زمینه ای- شناخت یک وجهی طولی	کارکرد و عملکرد شناسی
استفهامی	کلان	تبیین مقولات، ایجاد و گسترش مفاهیم، تحلیل کلان	زمینه ای- شناخت آوجه طول و عرضی	فلسفه علم، مبانی نظری
ترکیبی	م.ک	شناخت موضوعات پیچیده، درک روابط عوامل	ماهیتی- شناخت چند وجهی	سیستماتیک
اسنادی	ترکیبی	کشف، استخراج، طبقه بندی، ارزیابی و جمع بندی مطالب/ نقدنظری، مقایسه تطبیقی، گزارش وضعیت	زمینه ای و ماهیتی- شناخت چند وجهی	تحلیل و تفسیر اجتماعی کلان (کارکرد و رفتارگرایی)

### ۸-۱- تحلیل محتوای قیاسی

صورت مسئله در تحلیل قیاسی، حاوی سوال و فرضیه ای مستقل از گذشته است، ولی پاسخ آن تا حد زیادی بر اساس بررسی مفاهیم و نظریاتی است که پیرامون موضوع سوال، وجود دارند. به نوعی مرور ترویجی علم در این زمینه، باعث هم افزایی و ارتباط یابی بین مفاهیم برای دست یابی به پرسش هایی است که برای آنها، زمینه آشنا و مشخصی از مطالعات موجود است. تکنیک اصلی در این بررسی ها، بر مبنی غیر دائمی بودن دانسته ها و یافته های موجود نسبت به موضوعات است. زیرا جامعیت و کارایی یافته های علمی، متناسب با میزان دانایی علمی بشر نسبت به پدیده ها در همان دوره شکل میگیرد. به دیگر سخن، سنجش صحت فرضیه مطرح شده در قالب پاسخ احتمالی در قیاس، از طریق نوعی استنتاج ناشی از استقراء بدست می آید. در این نوع استقراء، نظریات موجود با فرضیه مطرح شده مورد بررسی هدفمند قرار میگیرند. در این بین ممکن است مقولات و متغیرهایی نیز در رابطه با موضوع فرضیه، مطرح شوند که در ارائه اولیه وجود نداشته اند و در ضمن مرور، شناسایی شده باشند. در نتیجه، قیاس نیز در فرایند اثبات فرضیه خود، به مسیر استقراء وارد میشود تا بتواند فرضیه خود را از طریق تحلیل و استنتاج برگرفته از سامان دهی پیشینه و مفاهیم جدید مرتبط، اثبات کند.

### ۸-۲- تحلیل محتوای استقرائی (متعارف)

انسان معاصر بیش از همه دوران تاریخ، به معرفت و آگاهی ناشی از پیشرفت علوم شناختی دست پیدا کرده است. به گونه ای که پدیده های مختلف را از جنبه های گوناگونی مورد بررسی قرار میدهد. انباشت این وجوه شناختی که حاصل عملکرد رشته های مختلف علوم خصوصا علوم انسانی است، باعث گردیده که برای بررسی موضوعات پژوهشی در این حوزه ها، نیاز به تولید پیش زمینه و بستری از مفاهیم موجود پیش آمده است. بر این اساس نقش استراتژی های پژوهشی در ساده ترین حالت استقرائی، دستیابی به خلاصه ای مفید و دقیق پیرامون موضوع پژوهش، از مفاهیم رایج و مطرح است (Thomas, 2006: 2). تکرار این چرخه ی مراجعه به دانش موجود و خلاصه سازی استقرائی داده های پراکنده، بستگی به عمق دانش زمینه ای و سطح انتزاع یافته های مورد نیاز از انجام پژوهش دارد. ملاک گذاری کفایت برای این دو، غالبا بر اساس شکل گیری ارتباط پژوهشی روشن بین پرسش ها و یافته های پژوهش می باشد. حد نهایی توانایی این پژوهش ها، در ترسیم الگوهای فرایندی از ساختار این رابطه بین پرسش و یافته ها است که احتمالا زمینه ساز شکل گیری نظریه ای محدود به زمینه مورد مطالعه خواهد شد. در مورد استراتژی پژوهشی مبتنی بر تحلیل محتوای استقرائی، باید در نظر داشت که شیوه های گردآوری داده ها، باید به گونه ای باشند که پوشش دهنده کل حوزه نفوذ محتوایی، پیرامون اهداف پژوهشی باشد. نادیده گرفتن عمدی یا سهوی بخشی از داده های موجود کتابخانه ای یا قابل دستیابی از منابعی همچون مصاحبه و...، به معنی کاهش پایایی مدل های مفهومی است که رابطه بین پرسش ها و یافته ها را نمایش میدهند. بر این اساس میتوان بعد از گردآوری منابع، وارد مراحل اصلی پیاده سازی فرایند تحلیل محتوایی مطابق (جدول ۴) شد. نکته بسیار مهم، نقش دانش شخصی پژوهشگر در کنار بررسی پیشینه پژوهش در ایجاد بستری مناسب در شکل دهی به کلیه مراحل انجام تحلیل محتوایی به شیوه استقرائی است.

### جدول ۴- مراحل انجام تحلیل محتوایی به شیوه استقراء متعارف (منبع: نگارندگان)

مرحله	روش پیاده سازی	هدف پیاده سازی	حالت (فاز) یافته های مرحله
گردآوری داده ها	کد گذاری اولیه و تشکیل جداول مفاهیم و مضامین	شناخت، وزن دهی و تفکیک مفاهیم بر اساس شاخص های دورن متنی	تفکیک داده های کل نگر از جزء نگر / تفکیک مفاهیم آشکار از مضامین پنهان
کشف مقولات نام گذاری	ساخت شبکه ارتباط معنایی	ایجاد مقولات از مفاهیم و مضامین	تعیین حوزه، جنس و خصوصیات مقولات
مقولات	پالایش اصطلاحات درباره متن	انتصاب اصطلاحات بجای متن اصلی	تدقیق معنای اصطلاحات موجود
حوزه نگاری	پیشنهاد کلید واژگان مرتبط	شفاف سازی حوزه محتوایی متن	پیشنهاد نو واژه و نو اصطلاحات ترکیبی
	تعیین حوزه های مرتبط با متن	اشاره به حوزه های معناداری مقولات	تعیین میزان و نوع روا داری معنایی واژگان

### ۸-۳- روش‌های تحلیل محتوای چندساخته‌ی تحلیل محتوایی

در مواجهه با پدیده‌های پیرامونی، میزان آگاهی بشری<sup>۱</sup> نسبت به ماهیت این پدیده‌ها، تعیین کننده نوع و جهت شناخت آنها است. به دیگر سخن، انسان معاصر با افزایش کمی و کیفی شناخت خود نسبت به ماهیت و ارتباط پدیده‌ها با یکدیگر (جامع‌نگری برآمده از تفکر سیستمی)، میکوشد تا متناسب با این افزایش پیچیدگی‌های شناختی، به روش‌های متناسب آنها در زمینه‌های متناظر (مثل روش تحقیق) نیز دست یابد (Plano Clark et al, 2008; Doyle et al, 2009). بدین روی استفاده همزمان از منطق موجود در قیاس و استقراء، اگر چه به ظاهر روشی ترکیبی و مرسوم در بین جامعه پژوهشگران معاصر را نشان می‌دهد، ولی اشاره به واقعیت پیچیده پدیده‌های مورد مطالعه انسان معاصر دارد. به دیگر سخن، استقراء و قیاس در ساحت نظری این اقدامات پژوهشی، فراتر از روش و ابزار پژوهشی، تبدیل به «گفتمان منطق اندیشی» برای مسئله‌پنداری<sup>۲</sup> شده‌اند.

ظرفیت بالای این روش‌های ترکیبی، در تولید علم هم‌جنس با دستاوردهای موجود، در عین نوآورانه و پیشبرنده بودن یافته‌های آن باعث شده است، به منظور سازماندهی امر پژوهش، الگوهایی پژوهشی هدفمندی نیز در انواع پژوهش‌ها مورد نیاز باشد. تجمیع این الگوها، بر اساس چند نقطه مشترک است (Burrows, 2013): الف) مسئله محوری (ب) شرح و توصیف مسئله (ج) تعیین جایگاه و حوزه نفوذ مسئله (د) تعیین اهداف و دستاوردهای مورد انتظار (ه) آینده پژوهی و حوزه‌های کاربردی (و) تعیین مفاهیم مشترک با سایر رشته‌های هم‌مسئله.

نکته مهم درباره این روش‌های جدید، مرز تفکیک نشدنی بین استقراء و قیاس، و در حقیقت ترکیب شدگی آنها در سطوح مختلف است. این امر باعث پیدایش یک نظام دوگانه در این روش‌های تحقیق شده است. به گونه‌ای که در برخی موارد عناوین مشابه، فرایند پژوهشی متفاوتی را پیاده کرده‌اند، یا برعکس، روش‌های پژوهشی با عناوین متفاوت، در عمل شباهت زیادی در فرایند پیاده‌سازی روش تحقیق در پژوهش دارند. همچنین، باعث بروز امر «نسبیت» در ایجاد طرح پژوهش مبتنی بر روش تحقیق‌های شناخته شده نیز گشته است. به دیگر سخن، التزامی در پیگیری یا پیاده‌سازی کامل و دقیق انواع الگوهای از پیش تعریف شده در زمینه روش تحقیق، تحت عنوان پیروی از آنها، برای پژوهشگران معاصر حس نمی‌شود (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۶۵). به هر روی در پژوهش جاری، ملاک بر اساس نحوه پاسخگویی به سوالات فوق، کارایی و مطلوبیت روش‌های تحلیل محتوایی قرار گرفته است. در ادامه برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۸-۴- تحلیل محتوای استفهامی (abductive)

به نظر می‌رسد، حوزه نفوذ روش‌های بهره‌گرفته شده از قیاس و استقراء، کمتر شامل تعاملات انسانی و محیطی، و در نتیجه مفاهیم و معانی برآمده از آن می‌شود. به دیگر سخن، رویکرد‌های استقراء و قیاسی، نوعی نگاه از پیش تدوین یافته درباره موضوعات و پدیده‌های محیطی و اجتماعی دارند، که با ماهیت‌شناسی خالص این پدیده‌ها از طریق توصیف‌گری روابط و کنش‌گری‌های مبتنی بر واقعیت درونی آنها و توجه به بستر واقعی بروز آنها (که همان تفکر سیستمی و برساختی است) فاصله‌ی معنی‌داری ایجاد می‌کند (اقتباس از: بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۶). در این نوع از پژوهش، اگر معانی و مفاهیم بدست آمده از قیاس و استقراء را در نقش صورت مسئله در نظر بگیریم، آنگاه تحلیل محتوای ساختار یافته به دنبال نوعی استقراء برتر است تا به معانی و مفاهیم جدید و بی‌سابقه‌ای دست یابد. میتوان استقراء مرحله اول را نوعی ساده، کم عمق و مقدماتی دانست که نوع و حوزه نفوذ آن تا حد زیادی برگرفته از بستر موجود و مورد قیاس واقع شده، می‌باشد. حال آنکه یافته‌های پژوهشی جدید، با استقراء ثانویه صورت می‌پذیرد. به دیگر سخن، استقراء مقدماتی نوعی تطبیق علم، با جنبه‌هایی از تکرار و توسعه مفاهیم موجود است ولی استقراء ثانویه، تولید علم با جنبه‌های از «نو ساختاری»، «نومفهومی» و «دگر بیانی» است.

برخی از پژوهشگران معتقدند که این استقراء ثانویه، به سمت شخصی‌شوندگی فرایند استفهام توسط کنشگران، پیش رفته است. یعنی حالت روحی و ظرفیت ادراکی پژوهشگر استقراء کننده از موضوع و دستاوردهای مرحله استقراء مقدماتی، بر کیفیت تولید علم در این فرایند ماثور، و باعث ارتقاء استقراء به استفهام می‌گردد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۲۶). اهمیت موضوع پژوهش جاری در این مورد نیز بیشتر آشکار می‌گردد که در حال حاضر، به عقیده بسیاری از پژوهشگران، روش مدون و ساختارمندی برای پژوهش به شیوه استفهامی ارائه نشده است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۱۳). در توصیف هنگامه ظهور استفهام بجای استقراء مقدماتی در روش تحلیل محتوایی، برخی از پژوهشگران معتقدند که هر نوع شکل‌گیری روند رفت و برگشتی یا اصطلاحاً چرخشی در بین داده‌ها و مشاهدات قیاسی با مفاهیم و معانی استقراء شده، شکل گیرد، یعنی نقش پژوهشگر از ادراکی به استفهامی ارتقاء پیدا کرده است. کاربرد مهم این روش تحقیقی در علوم انسانی است. زیرا بستر مطالعاتی آن، همیشه دارای کنشگرانی انسانی است که اگر چه صورت اولیه مسئله بر اساس سوالاتی از بافت و جنس کل و سطح نگر آنهاست، ولی برای پاسخ‌بدان غالباً متغیرهایی عمیق و جزئی تر را باید مد نظر گرفت. مثلاً اگر رفتار شناسی در یک محیط شهری، مسئله مطرح در پژوهشی باشد، آنگاه عوامل رفتار ساز در آن محیط، در زمان‌ها و وقایع متعدد باید مدنظر باشد. همچنین سیستم تاثیر گذاری و رفتار آفرینی این عوامل نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

۱ که در علوم انسانی و خصوصاً روان‌شناسی محیطی و شناختی بیشتر از سایر علوم منعکس است  
۲ منظور از مسئله‌پنداری، گفتمانی جامع از شیوه‌های شناخت، بررسی و طرح کردن، فرایند حل، نتایج و حوزه نفوذ مسئله ... می باشد.

به دیگر سخن، انسان معاصر بیش از هر زمانی به ماهیت پیچیده و مرتبط پدیده های مورد بحث در علوم انسانی پی برده است و به موازات این تغییر نگرش، در پی ارتقاء روش های تحقیق خود از محدودیت به چند متغیر محدود، به سمت تحقیقاتی پدیدارشناسانه است. یعنی در مواجهه با مسائلی که ماهیت چند وجهی دارند، تا سر حد دانسته های موجود، به نظریه پردازی از جنبه های مآثر در مسئله ورود کند (Alteid, 1987: 65-68). نمونه های چنین نگاهی را در روش تحقیق تحلیل محتوای قوم شناسی میتوان دید. بدیهی است چنین روش تحقیقی منجر به دستاوردهایی میشود که در رشته های مرتبط با برنامه ریزی انسان مدار، همچون معماری و شهرسازی نیز مآثر خواهد بود.

جدول ۵- مراحل انجام تحلیل محتوایی به شیوه استفهامی (منبع: نگارندگان)

مرحله	روش پیاده سازی	هدف پیاده سازی	حالت (فاز) یافته ها در این مرحله
گردآوری داده ها	کد گذاری اولیه و تشکیل جداول مفاهیم و مضامین	شناخت، وزن دهی و تفکیک مفاهیم بر اساس شاخص های دورن متنی	تفکیک داده های کل نگر از جزء نگر/ تفکیک مفاهیم آشکار از مضامین پنهان
کشف مقولات	ساخت شبکه ارتباط معنایی	ایجاد مقولات از مفاهیم و مضامین	تعیین حوزه، جنس و خصوصیات مقولات
نام گذاری مقولات	مطالعات زمینه نگر و پیشینه ای	شناخت مفاهیم و اصطلاحات مرتبط	تعیین حوزه کاربرد و ادراک مفاهیم
حوزه نگاری	پیشنهاد کلید واژگان مرتبط	شفاف سازی حوزه محتوایی متن	پیشنهاد نو واژه و نو اصطلاحات ترکیبی
الگو نگاری	تعیین حوزه های مرتبط با متن	اشاره به حوزه های معناداری مقولات	تعیین میزان و نوع رو داری معنایی واژگان
کشف معانی	طبقه بندی درون-برون داده ای	اربطایابی بین مقولات، مفاهیم و داده ها، و ایجاد اطلاعات از آنها	حمایت موضوعی از طبقه های کشف شده جای گرفته به صورت ساختار یافته در شبکه ای از داده های اولیه، مفاهیم (اطلاعات)
منابع	Esterberg, 2002; Mills & Huberman, 1994; Feyereabend, 2010; Shank, 2006; Lofland, et al, 2005; ۱۳۸۸، محمدپور،		

#### ۵-۸- تحلیل محتوای ترکیبی (Mixed method research)

تحلیل های ترکیبی<sup>۱</sup> به دلیل حجم زیاد انتشار به ویژه در حوزه علوم انسانی اهمیت زیادی دارد. زیر این نوع از تحلیل گری، با تلفیق نتایج مطالعات کمی و کیفی باعث جمع بندی سریعتر و کاملتر نتایج و یافته ها برای پژوهشگران می شود.<sup>۲</sup> در این روش، تلاش میشود بجای تجمیع بین قیاس و استقراء که در روش قبلی بیان شد، از داده های گردآوری و دسته بندی شده کیفی، به شیوه ای کمی، استقراء اولیه، مبتنی بر فراوانی تکرار و تجمع یابی عددی، از بین مفاهیم و کلید واژه ها انجام گیرد. یعنی در آن هم معانی آشکار و هم پنهان شناسایی و شمارش میشوند. به صورتی که مطابق آن شمارش عناصر متنی برای شناسایی، سازماندهی، شاخص بندی و خلاصه سازی داده ها بسیار اساسی است (Berg, 2006).

در مرحله استفهامی نیز، تلاش میشود تا با استفاده از درک این مفاهیم کیفی در بستر شکل گیری خود و همزمان با معانی عوامل مرتبط، از اولویت دهی ارزشی به عنوان عامل تعدیل کننده استقراء کمی استفاده شود (Hsiu-Fang & Shannon, 2005: 1281). بدین صورت از ابزار تحلیل کمی برای غلبه بر تعداد زیاد و تنوع بالای متغیرهای یک موضوع پیچیده بهره گرفته میشود. ولی بستر اولیه و نتایج نهایی با استفاده از نگاه توصیفی و مقتضیات سیال پدیده های انسانی، مورد تحلیل و استنباط قرار میگیرند.

#### ۶-۸- تحلیل محتوای اسنادی

این روش غالباً به عنوان بخش آغازین در زمینه بررسی پیشینه، شناخت حوزه و ادبیات موجود پیرامون موضوع پژوهش، در همه تحقیقات کمی و کیفی موجود است. ولی ذاتاً امری تحلیلی است در برخورد با داده های گردآوری شده است، "که به وسیله آن میتوان متون و اسناد و مدارک را، خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیلی منظم و دقیق قرار داد" (طییبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۸۱). پژوهش های با برد متوسط و کلان که راهبرد پژوهشی متناسب با خود را می طلبند، آنگاه که نیازمند بهره گیری از گفتمان تفسیری برای فهم داشته های نظری موجود اند، از روش هایی برای مرور هدفمند و به قصد یافته های پژوهشی بهره میگیرند. در اغلب موارد مرور ساختار یافته میتواند پاسخگوی نیاز این نوع مطالعات اسنادی باشد. ولی

۱ اگرچه تعاریف و عناوین زیادی از روش تحقیق ترکیبی شده است، ولی باید دانست که منظور آنها رویکرد ترکیبی (استفاده همزمان از رویکرد های کمی و کیفی) یا همان Mix Approach Research است (Kroll & Neri, 2009). در حالی که در این قسمت از پژوهش جاری، از ابزارهای پژوهش ترکیبی (Mix Method Research) صحبت میشود که میتوان از آنها در رویکردهای پژوهشی کیفی یا کمی بصورت مستقل استفاده کرد. آنچه تا کنون در منابع، منعکس شده است، استعمال اشتباه رویکرد بجای روش و برعکس بوده است و نشان از مساق گیری این دو بوده، که از دید روش شناسی در این پژوهش، مورد تفکیک قرار گرفته است.

۲ کمپل و فیسک در سال ۱۹۵۹، برای اولین بار علام کردند که در عمل، جوانب یک پدیده را نمیتوان تک ساحتی (کمی یا کیفی) مورد شناخت صحیح و درستی قرار داد. نظر آنها بعدها نیز از جنبه روش شناسی و اطمینان و اعتبار یافته های تک ساحتی در زمینه شناخت پدیده ها مورد استناد قرار گرفت و زمینه شکل گیری فلسفه علم چندگانه گانه گرایي همچون پراگماتیسم و... فراهم شد (Tashakkori & Teddlie, 2010).

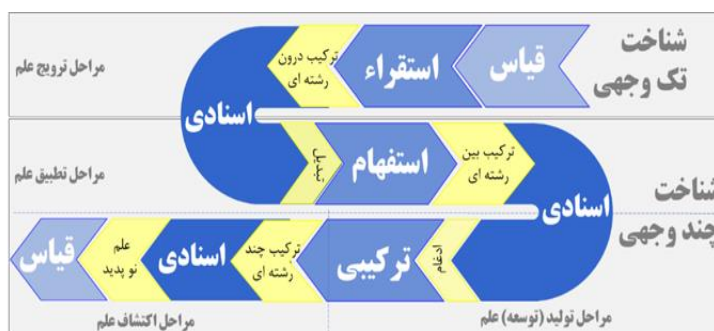
دستیابی به یافته‌های پژوهشی در این نوع مرورها، نیازمند فرایندی پژوهشی است که داده‌های ورودی و اطلاعات خروجی از مرور را سازماندهی کند. تحلیل محتوای اسنادی، چنین امری را با استفاده از گرد هم آوردن تکنیک‌های انتخابی و متناسب با بستر موضوعی، فراهم می‌کند.

برخی از پژوهشگران معتقدند که روش اسنادی، میتواند صرفاً در بخشی‌هایی مثل پیشینه و چارچوب نظری به عنوان تکنیکی برای اثبات گزایی مبتنی بر یافته‌های هم‌افزا به کار گرفته شود (Ahmed, 2010: 9)، یا روش اساسی یک پژوهش کل‌نگر<sup>۱</sup> مثل جریان‌شناسی یا مردم‌شناسی<sup>۲</sup> قرار گیرد (Mogalakwe, Daymon & Holloway, 2005: 217-218; 2006:222). در حالی که برخی دیگر، معتقدند که روش اسنادی، به عنوان ابزاری است که در متن‌کاوی‌های تحلیلی، در کلیات تحقیق (خصوصاً در پیشینه‌شناسی) و یا در بدنه اصلی تحقیق (به عنوان روشی توصیفی برای اقتناع‌گری مبتنی بر متون علمی موجود) قابل استفاده است (ر.ک: صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۸۶).

## ۹- یافته‌ها

اهمیت و جایگاه مفاهیم روش‌شناسی در هر یک از علوم مختلف، به حدی است که از یک سو، بسیاری از دانشمندان، آنرا عامل وسعت بخشی و قوام آن بخش از علوم میدانند (اقتباس از: نشاط، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، مسئله آمیختگی روش با ابزار (تکنیک)‌های تحلیل محتوایی، باعث مشکلاتی از قبیل عدم تفکیک آنها از جنبه‌های کارکردی شده است. به دیگر سخن، اگر چه ساحت پژوهشگری در علوم به دنبال کشف، اصلاح و توسعه دانش، پیرامون شناخت واقعیت‌های هستی است، ولی پژوهشگران معاصر هم‌زمان با رشد و انباشت علمی ناشی از مراحل شناخت و جوه واقعیت‌ها (بصورت پراکنده در رشته‌های مختلف علمی)، برای غلبه بر این تنوع کمی و کیفی دانشی، راه‌حلی‌هایی تحت عنوان کلی «تحلیل محتوایی» ارائه کرده‌اند که عمر ارائه و استفاده زیادی ندارند. این تازگی در امر روش تحقیق، باعث فرصت مناسبی برای تکمیل توان و حوزه نفوذ این روش‌ها در کارکرد معرفت‌شناسانه و فلسفه علم ناشی از آنها شده است.

پژوهش حاضر با درک ضرورت توجه به شناخت ماهیت و فرایند اثر بخشی این ابزارها بر داده‌های مبتنی بر واقعیت برای کنشگران پژوهشگری در دوران معاصر، به دنبال تفکیک روش‌ها از ابزار (تکنیک)‌ها شکل گرفته است. بدین منظور وضعیت کلی این دو مقوله را نسبت به کلیت روش‌های تحقیق مورد بازشناسی قرار داده و سپس به شناخت ماهیتی آنها پرداخت است. به دیگر سخن با استفاده از بررسی هم‌زمان انواع آنها در متون مربوط به روش تحقیق، دسته‌بندی جدیدی ارائه و آنها را از ابزارهای پیاده سازی شان تفکیک کرده است (جدول ۲). سپس بر حسب اهمیت و اولویت شناختی، ابزارهای تحلیل محتوایی و چگونگی عملکرد آنها به دید وضعیت داده‌های مبتنی بر واقعیت، این ابزارهای تحلیلی، مورد ارائه‌گفتمان‌شناسی قرار گرفته است. در انتها میتوان به (شکل ۴) اشاره کرد که امر تحلیل محتوایی توسط این ابزارها را به صورت فرایندی مورد بازشناسی قرار داده است. بدین طریق به یکی از اهداف این پژوهش در راستای نزدیک نمودن دیدگاه پژوهشگران رشته‌های مختلف پیرامون هدف مشترک، یعنی دست‌یابی به واقعیت‌پدیده‌های هستی، دست پیدا کرده است.



شکل ۴- چرخه تاثیر گذاری ابزارهای تحلیل محتوایی در فرایند‌های علمی جاری در رویکردهای تحلیل محتوایی، از دیدگاه این پژوهش (منبع: نگارندگان)

عدم تفکیک شدگی ابزارهای پژوهش از رویکردهای آنها تا اواخر دوران مدرنیسم، موجب آمیختگی روش و رویکرد پژوهش شده، که غالباً به نفع روش‌های تحقیقی برگرفته از فلسفه علم اثبات‌گرا منجر شده بود. هم‌زمان با آغاز رویکرد انتقادی نسبت به سلطه روش‌های پوزیتیویستی بر ساحت پژوهشگری علوم مختلف و تفاوت آشکار و ناتوانی این روش در شرح و توصیف حالات

۱ مهم‌ترین تکنیک‌های تحلیل محتوای اسنادی به صورت روش تحقیق مستقل شامل: فراتحلیل‌های کیفی، تحلیل محتوا، تحلیل مجدد آمارها، تحلیل ثانویه، کدگذاری و طبقه‌بندی می‌باشند (صادقی فسائی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۷۰).

۲ تصور کلی در این صورت بر این است که، داده‌های مردم‌شناسی، در نقش موضوع قرار می‌گیرند و تحلیل موضوعی اتفاق خواهد افتاد. این نوع تحلیل یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی، و تقریباً پایه اکثر آنها نیز است (Hanson et al, 2011).

کیفی از واقعیت های هستی، فلسفه علم به سمت محتوا محوری و روش های تحقیق کیفی، جهت گیری کرد. بعد از چندین دهه، رشته علم اطلاعات و دانش شناسی به سمت پدید آوردن تحقیقات پژوهش محور و روش شناسی، روی آورد. ماحصل آن نیز (شکل ۴)، پیدایش مطالعات، نشریات و همایش هایی جهانی و ملی شد که روش های تحقیق را به صورت یک ماهیت مستقل نیز مورد توجه قرار میدادند.

هدف کلی این تحولات، رسیدن به درجات بالایی از انطباق بین واقعیت های محیطی با واقعیت منعکس در ساحت نظری علوم مختلف بود که نیاز به حضور تحقیقات کمی و کیفی به صورت همزمان را پدید آورد. البته باید دانست که اگرچه استفاده از منطق قیاس و استقرار در ساحت علم پژوهی معاصر به صورتی کاربردی و همزمان در آمده است، ولی مطالعه آنها به صورت ابزارهای پژوهشی، نشان دهنده تفاوت هایی در رویکرد هستی شناختی و در نتیجه معرفت شناسی حاصل از آنها می باشد. برخی از پژوهشگران در زمینه روش شناسی، معتقدند که این تمایزها در تمامی مراحل پژوهش یعنی موضوع و مسئله یابی، گردآوری داده ها، تحلیل، تفسیر نتیجه و به صورت کلی، در جان مایه (مفاهیم، نظریه و شیوه ها) این دو روش منطق گرا قابل بررسی است (بلیکی، ۱۳۸۹: ۸۴).

در منابع روش تحقیق، غالباً «تحلیل محتوایی» را به عنوان یک روش تحقیق در نظر گرفته اند که پیشینه آن مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش جاری، چندین تغییر درباره اصلاح این رویه در نظر گرفته شده است:

- الف) گسترش حوزه کاربرد آن به عنوان روشی برای انواع رویکردهای پژوهشی موجود
- ب) معرفی آن به عنوان رویکردی که خود دارای چند روش آشنا و مشخص است، بجای وضع موجود که خود یکی از روش های تحقیق است که صرفاً به صورت کمی یا کیفی تقسیم بندی شده است.
- ج) قرار دادن انواع روش های تحقیق موجود بر اساس شیوه تحلیل محتوایی در یک دسته بندی جدید (جدول ۲) و معرفی آنها به عنوان صرفاً رویکردهایی که از روش های دسته بندی شده در این پژوهش به صورت مستقل یا ترکیبی استفاده میکنند.
- د) خلاصه سازی شالوده اصلی انجام تحلیل محتوایی در چند روش آشنا (جدول ۳) بر اساس پردازش هایی که در عمل انجام میدهند تا امر فهم و استفاده از آنها در همه رویکردهای پژوهشگری فوق، آسان گردد.
- ه) اصلاح و توسعه ی تفکر پژوهشگران نسبت به معنای دو واژه «رویکرد» و «روش» با ملاک نقش این ها در فرایندهای تولید علم به جای وضع موجود که ملاک های تفکیکی، واضح و یکسان بیان نشده اند و باعث برداشت های متفاوتی از آنها در علوم مختلف، و به کارگیری ترکیبی آنها میشوند.

## ۱۰- نتیجه گیری

بر اساس مطالعات روش شناسی پژوهش در دوران معاصر، تعیین نوع روش پژوهش، متغیری وابسته به ادراک عمومی و آشنایی پژوهشگر به موضوع و زمینه های مرتبط با آن، همچنین آشنایی با روش شناسی است. بنابراین، نیاز مبرمی برای تبیین توان و حوزه عملکرد روش های تحقیق، برای انتخاب آگاهانه آنها وجود دارد. همچنین تنوع و ماهیت پیچیده واقعیات مورد پژوهش در علوم مختلف، باعث گردیده است آمیختگی بین روش (رویکرد) با ابزار (تکنیک) پژوهش توسط پژوهشگران، به عنوان واکنشی به این بستر پیچیده و غیرساختار یافته بودن عوامل پژوهشگری قابل رصد باشد. پژوهش جاری ضمن اشاره به زمینه شکل گیری چنین بستری، بر اساس لزوم تفکیک دو مقوله روش و ابزار، با تبیین کارکرد آن ها، به دنبال آن بود که جنبه هایی فراتر از روش تحقیق را نیز مد نظر قرار دهد. زیرا هر کنشی در عرصه پژوهشگری، تأثیری بر لایه های بالا دستی همچون فلسفه علم و مبانی نظری، نیز خواهد داشت. بر این اساس، از همان ابتدای طرح مسئله، تفکر سیستماتیک و جامع نگری نسبت به بستر شناسی شکل گیری ابزار تحلیل محتوایی صورت گرفت.

نتیجه مهم این تحقیق، نشان دهنده نقش کلیدی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در تبیین جایگاه و خصوصیات روش تحقیق و امر روش شناسی است. به نوعی که اگر چه دسته بندی های روش شناختی گوناگونی برای پاسخ به امر گونه شناسی جامع و مانع از روش ها ارائه گردیده است (Rochester & Vakkari, 2004)، ولی معایرت های این گونه بندی ها در کنار نیازهای بومی در امر پژوهش در متون زیست بوم علمی کشور، باعث گردیده است که مسئله آمیختگی روش و تکنیک، و عدم کاربرد راهبردهای فعلی برای تعیین پایایی و روایی<sup>۱</sup> نیز تقویت گردید. به گونه ای که شاهد برداشت های متفاوتی از روش های یکسان پژوهشی در علوم مختلف یا در قطب های علمی مختلف دنیا (مثلاً داخل و خارج از کشور) به واسطه دلایلی همچون عدم تبیین ابزارهای پژوهشی بر اساس ماهیت تولید علمی آنها هستیم (اقتباس تکمیل شده از: مختارپور و حیدری، ۱۳۹۶: ۷۸). در این پژوهش سعی گردید دسته بندی جدیدی بر اساس حوزه کاربرد تکنیک های تحلیل محتوایی ارائه گردد و همچنین مهمترین این ابزارها، با دیدگاهی هم جنس و مبتنی بر نگاه تولید علم، از روش ها، تفکیک و مورد بررسی قرار گیرند.

۱ در تحقیقات کیفی به جای پایایی و روایی از دقت علمی (Rigour) و پایداری (Trustworthiness) استفاده میگردد (Davies & Dodd, 2002).

## منابع

۱. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیقی کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آذرانفر، جوانه (۱۳۸۵). تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های رشته‌ی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲ موجود در پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران. علوم و فناوری اطلاعات، ۲۱(۴): ۳۹-۱۹.
۳. آصف‌زاده، سعید (۱۳۸۴). تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی در علوم پزشکی. پژوهش در پزشکی، ۳۹(۳): ۱۹۵-۲۰۱.
۴. بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماع. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۵. بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). استراتژی‌های پژوهش اجتماعی، ترجمه هاشم آقا بیگ، تهران: جامعه‌شناسان.
۶. بنی‌یعقوبی، فائزه، آزرمی، سمیه، فارسی، زهرا، و، نادری، مریم (۱۳۹۸). بررسی روش تحقیق ترکیبی با مروری بر مطالعات انجام شده در حوادث و بلایا. فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، ۷(۲۲): ۹۳-۹۹.
۷. پریخ، م، و فتاحی، ر. (۱۳۸۴). راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی. تهران: کتابدار.
۸. تبریزی، منصور (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۴(۴): ۱۰۵-۱۳۸.
۹. حسینی، مریم (۱۳۹۱). فرایند زیست‌روش‌های پژوهش در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های چمران، تهران، شیراز و فردوسی در بازه زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن، الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۳). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار، چاپ نهم.
۱۱. دلاور، علی (۱۳۸۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد، چاپ پنجم.
۱۲. دی، ران (۱۳۸۴). کتابداری و اطلاع‌رسانی، روش و علم پست مدرن (محمد خندان، مترجم) اطلاع‌شناسی، ۲(۳۳): ۲۱-۳۲.
۱۳. رواندی، سمیه نادی (۱۳۹۶). بررسی و معرفی انواع مطالعات سنتزی/ ترکیبی/ مروری در تحقیقات پزشکی. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ۲۴(۴): ۲۵۷-۲۶۳.
۱۴. سیدین، مهرداد؛ باب الحوتجی، فهیمه (۱۳۸۸). تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای تهران شمال، علوم و تحقیقات تهران، علوم و تحقیقات اهواز و همدان در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶. پیام کتابخانه، ۱۵(۱): ۱۲۷-۹۵.
۱۵. شهسواری، امیر، علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش مروری و نقش آن در تولید دانش: توسعه یک گونه‌شناسی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵(۹۸): ۷۹-۱۰۵.
۱۶. صادقی‌فسایی سهیلا، عرفان منش ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹): ۶۱-۹۱.
۱۷. طیبی ابوالحسنی، امیرحسین (۱۳۹۸). درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. سیاستنامه علم و فناوری، ۹(۲): ۶۷-۹۵.
۱۸. عباس‌زاده، محمد، بوداقتی، علی، کریمی، فریدون (۱۳۹۱). انواع تحلیل موردی و کاربرد تثلیث در آن. مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۴): ۶۹-۸۷.
۱۹. عزیززی، شهریار (۱۳۹۵). روش پژوهش در مدیریت با تأکید بر مثال‌های کاربردی و آماری. تهران: انتشارات سمت.
۲۰. فیروزکوهی، محمدرضا، علیمحمدی، نصرالله، عزیززی، نجمه، و، عبدالغنی‌عبدالهی، محمد (۱۳۹۹). انواع مطالعات مروری و نقش آن در ارتقا دانش پرستاری: یک مرور روایتی. فصلنامه پرستاری دیابت زابل، ۹(۱): ۱۳۳۹-۱۳۵۵.
۲۱. قاسمی، حمید (۱۴۰۰). مرجع پژوهش. چاپ دوم، ویرایش ۱۸، تهران: اندیشه آرا.
۲۲. قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمیگرایی تا کیفیگرایی. روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۷(۲۳): ۵۸-۸۲.
۲۳. کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). شناسی زندگی و اندیشه بزرگان جامعه. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ یازدهم.



۲۴. کیوی ریمون، کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی) ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات فرهنگ معاصر.
۲۵. مارکزیک، جوفری، دمتو، دیوید، فستینجر، دیوید (۱۳۹۱). اصول طرح تحقیق و روش شناسی. ترجمه مریم خسروی، تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و نشر چاپار.
۲۶. مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰). معرفی طرحها و مدلها در روش تحقیق آمیخته. راهبرد، ۲۰(۶۰): ۲۳۴-۲۱۷.
۲۷. محمدپور، احمد (۱۳۸۸). تحلیل داده های کیفی: رویه ها و مدل ها. «مجله انسان شناسی، ۲- (۱۰): ۱۲۷-۱۶۰.
۲۸. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش در روش. تهران: جامعه شناسان.
۲۹. محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش، جلد ۲. تهران: جامعه شناسان.
۳۰. مختارپور، رضا، حیدری، غلام رضا (۱۳۹۶). روش شناسی پژوهش در علم اطلاعات و دانش شناسی: رویکرد کتابشناختی. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. ۲۸ (۲): ۶۱-۸۴.
۳۱. نشاط، نرگس (۱۳۸۸). تعامل پارادایم های پژوهشی در روش شناسی. کتاب ماه کلیات، ۱۳(۳): ۳۰.
۳۲. وبر، ماکس (۱۳۹۰). روش شناسی علوم اجتماعی. حسن چاوشیان. تهران: مرکز.
33. Ahmed, J. U. (2010). Documentary Research Method: New Dimensions. Indus Journal of Management & Social Sciences. Volume 4. pp 1-14.
34. Altheid, David I. (1987). Ethnographic Content Analysis. Qualitative Sociology. 10.
35. American Psychological Association. (2013). Publication Manual of the American Psychological Association. Washington, DC: American Psychological Association.
36. Anderson, S., Allen, P., Peckham, S., & Goodwin, N. (2008). Asking the right questions: Scoping studies in the commissioning of research on the organisation and delivery of health services. Health Research Policy and Systems, 6(1), 7.
37. Aromataris E, Fernandez R, Godfrey CM, Holly C, Khalil H, Tungpunkom P.(2015) . Summarizing systematic reviews: methodological development, conduct and reporting of an umbrella review approach. International Journal of Evidence-Based Healthcare.13(3): 132-40
38. Atkins S, Lewin S, Smith H, Engel M, Fretheim A, Volmink J.( 2008). Conducting a meta-ethnography of qualitative literature: Lessons learnt. BMC Med Res Methodol.,8(1): 1-10.
39. Ausburn LJ, Martens J, Washington A, Steele D. (2009). A cross-case analysis of gender issues in desktop virtual reality learning environments. J Ind Teach Educ., 46(3): 51-89.
40. Azar, A. S., & Hashim, A. (2014). Towards an Analysis of Review Article in Applied Linguistics: Its Classes, Purposes and Characteristics. English Language Teaching, 7, 76-88.
41. Bailey, K. D. (1994). Methods of Social Research. New York: The Free Press.
42. Bauer, M. and Gaskall, G. (2003). Qualitative Researching With Text, Image and Sound: a Practical Handbook. London: Sage Publications Ltd.
43. Berelson, Bernard (1971). Content Analysis in Communication research. New York: Hafner.
44. Berg, B. (2006). Qualitative Research Methods for the Social Sciences. New York: Allyn and Becon.
45. Bern, D. (1995). Writing a Review Article for Psychological Bulletin. Psychological Bulletin, 118(2), 172-177.
46. Blackey, Robert (1994). Words to the Whys: Crafting Critical Book Reviews. The History Teacher, vol. 27.
47. Bowers, Barbara, J., Schatzman, L. (2009). Dimensional Analysis. In Developing Grounded Theory: The Second Generation (Developing Qualitative Inquiry). Left Coast Press. ISBN: 1598741934.
48. Burrows TJ.( 2013). A preliminary rubric design to evaluate mixed methods research (Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University).
49. Carter, S. M. and Little, M. (2007). "Justifying Knowledge, Justifying Method, Taking Action:
50. Caulley DN. (1992). Writing a critical review of the literature. La Trobe University: Bundoora.
51. Charmaz, K (2006). Grounded theory: A practical guide through qualitative analysis. Thousand Oaks, California: Sage.
52. Cheng HG, Philips MR. Secondary analysis of existing data: opportunities and implementation. Shanghai Arch Psychiatry, 2014; 26(6): 371-5.

53. Cipriani A, Geddes J.(2003). Comparison of systematic and narrative reviews: the example of the atypical antipsychotics. *Epidemiol Psychiatr Soc.*12(3):146-53.
54. Clark A. (2003). Situational analysis: Grounded Theory mapping after postmodern turn. *Symbolic Interaction.* Vol. 26. No: 4. Pp. 553-576.
55. Collins JA, Fauser BC. (2005). Balancing the strengths of systematic and narrative reviews. *Hum Reprod Update,* 11(2):103-4
56. Corbin J, Strauss A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory.* Thousand Oaks.
57. Cozby, P. C. (1993). *Methods in behavioral research (5PthP ed.).* Mountain View, CA: Mayfield Publishing Co.
58. Davies D, Dodd J, (2002). Qualitative research and the question of rigor, *Qualitative Health Research,* 12(2): 279-289.
59. Daymon, C. & I. Holloway. (2005). *Qualitative Research Methods in Public Relations and Marketing Communications.* London & U.S.: Routledge.
60. Doyle L, Brady AM, Byrne G. An overview of mixed methods research. *J Res Nurs.* 2009;14 (2):175–85.
61. Easterby-Smith, M., Thorpe, R., & Jackson, P. (2008). DOING A LITERATURE REVIEW. In M. Easterby-Smith, R. Thorpe, & P. Jackson, *Management Research* (pp. 29-53). SAGE.
62. Eisenhardt KM. (1989). Building theories from case study research. *Acad Manag J.,* 14(4), doi: <https://doi.org/10.5465/amr.1989.4308385>.
63. Elo, Satu & Kyngas, Helvi (2007). The Qualitative Content Analysis Process. *Journal of a Advanced Nursing.* 2008. Wiley online library.
64. Epistemologies, methodologies, and methods in qualitative research”. *Qualitative Health Research,* (17): 1316-1328.
65. Esterberg, K. G. (2002). *Qualitative Research Methods and Process.* Second Edition. London: Open University Press.
66. Feyerabend, P. (2010). *Against Method.* Fourth Edition. Verso Books.
67. Fitzpatrick, A. R. (1983). The meaning of content validity. *Applied Psychological Measurement,* 7, 3-13.
68. Flick, U.; E. Von Kardorff. & I. Steinke. (2004). *A Companion to Qualitative Research.* Translated by Bryan Jenner. London: Sage.
69. Friedenreich, Christine M (2002). Commentary: Improving pooled analyses in epidemiology, *International Journal of Epidemiology,* 31(1) 86–87, <https://doi.org/10.1093/ije/31.1.86>
70. Giddens, A. (1976). *New rules of sociological method: A positive critique of interpretative sociology.* London: Hutchinson.
71. Giles, David (2002). *Advanced Research Method in Psychology.* London: Routledge.
72. Glaser, B. (1992). Basic principles of Grounded theory. *Sociology Pr.* Chapter 7
73. Grant M J, Booth A. (2009). A typology of reviews: an analysis of 14 review types and associated methodologies. *Health Information and Libraries Journal.*26(2): 91-108.
74. Grover, R., Glazier, J. & Tsai, M. (1991). An analysis of library and information science research. *Journal of Educational Media and Library Sciences,* 28 (3), 276-298.
75. Haidich AB. (2010). Meta-analysis in medical research. *Hippokratia,* 14, 29-35.
76. Hanson, J. L., Balmer, D. F. and Giardino, A. P. (2011). “Qualitative Research Methods for Medical Educators”. *Academic Pediatrics,* 11(5):375-386.
77. Harris, M. H. (1986). The dialectic of defeat: Antimony in research in library and information science. *Library Trends,* 34 (3), 515-531.
78. Heaton J. (2003) Secondary analysis of qualitative data. *ANS Adv Nurs Sci.,* 20: 66-74.
79. Holloway, Immy & Wheeler, Stephanie. (1996). *Qualitative research in nursing.* London: Blackwell.
80. Holloway, Immy (1997). *Basic Concepts For Qualitative Research.* London: Blackwell.
81. Hsiu-Fang, Hsieh & Shannon, Sarah. E. (2005). Three Approaches To Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research.*
82. Jain V, Sharma RSS. (2012). Doing meta-analysis in research A systematic approach. *Indian J Dermatol Venereol Leprol,* 78(3): 252-250.
83. Jankowski, nick, Jensen, Klaus Bruhn (2002). *A handbook of Qualitative Methodologies For Mass Communication.* London: Routledge.
84. Jarvelin, K., & Vakkari, P. (1990). Content analysis of research articles in library and information science. *Library and Information Science Research,* 12 (1), 395-421

85. Jarvelin, K., & Vakkari, P. (1993). The evolution of library and information science 1965-1985: a content analysis of journal articles. *Information Processing & Management*, 29 (1), 129-144.
86. Jary, D. & J. Jary. (1991). *Collins Dictionary of Sociology*. Glasgow: HarperCollins.
87. Johnson RB, Onwuegbuzie AJ, Turner LA. Toward a definition of mixed methods research. *J Mixed Methods Res* 2007; 1 (2):112-33.
88. Khangura S, Konnyu K, Cushman R, Grimshaw J, Moher D. (2012). Evidence summaries: the evolution of a rapid review approach. *Systematic Reviews*. 1(1): 1-9.
89. King, W., & He, J. (2005). Understanding the Role and Methods of Meta- Analysis in IS Research. *Communications of the Association for Information Systems*, 16, 665-686.
90. Kohlbacher, Florian (2006). The use of qualitative content analysis in case study research. In *Qualitative Social Research*. Volume 7. No 1
91. Kracauer, Siegfried (1952). *The Challenge of Qualitative Content Analysis*. www. Jstor. Org
92. Kroll T, Neri M. (2009) Designs for Mixed Methods Research. In: Head SARRD, BAppSc, MSc (Hons),, FRCNA Senior Lecturer, Lecturer EJHRB, GradCert IntCareNurs,, MRCNA Senior, editors. *Mixed Methods Research for Nursing and the Health Sciences*. Wiley-Blackwell; 31-49.
93. Lindsay SU. (2011). Systematic reviews and meta-analyses. *J Can Acad Child Adolesc Psych*, 20(1): 57-9.
94. Lofland, J., Snow, D. A., Anderson, L. and Lofland, L. H. (2005). *Analyzing Social Settings: A Guide to Qualitative Observation and Analysis*. Belmont, CA: Wadsworth.
95. Magliocca NR, van Vliet J, Brown C, Evans TP, Houet T, Messerli P, et al. (2015). From meta-studies to modeling: Using synthesis knowledge to build broadly applicable process-based land change models. *Environ Model Softw*, 72: 10-20.
96. Mayring, Philip (2000). *Qualitative content analysis*. *Qualitative Social Research Volume 1*. No2.
97. Mayring, Philip (2003). In: *A Companion To Qualitative Research*. Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: Sage.
98. McEvoy P, Richards D. A critical realist rationale for using a combination of quantitative and qualitative methods. *J Res Nurs*. 2006; 11(1):66-78.
99. Mertens, D. (2014). *Literature Review and Focusing the Research*. In D. Mertens, *Research and Evaluation in Education and Psychology* (4 ed., p. 536). SAGE.
100. *Meta-study*. (2011). *American Heritage® Dictionary of the English Language*.
101. Mills, M. B. and Huberman, M. (1994). *Qualitative Data Analysis: Sourcebook of New methods*. London: Sage Publications Ltd.
102. Mogalakwe, M. (2006). The Use of Documentary Research Methods in Social Research. *African Sociological Review*. Volume 10. pp 221-230.
103. Morgan M. (2003). Meta-study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis. *Int J Nurs Stud*, 40(2): 217.
104. Neundorf, K. A. (2016). *The Content Analysis Guidebook*. Second edition. London: Sage Pub.
105. Neundorf, Kimberly A. (2002). *Content Analysis Guidebook*. London: Sage publication.
106. Okoli, C., & Schabram, K. (2010). *A Guide to Conducting a Systematic Literature Review of Information Systems Research*. *Sprouts: Working Papers on Information*, 10(26). Retrieved Jul 26, 2018, from <http://sprouts.aisnet.org/10-26>.
107. Pai M, McCulloch M, Gorman JD, Pai N, Enanoria W, Kennedy G, et al. (2004). Clinical research methods systematic reviews and metaanalyses : An illustrated, step-by-step guide. *Natl Med J India*, 17(2): 86-95.
108. Payne, G. & J. Payne. (2004). *Key Concepts in Social Research*. London: Sage.
109. Plano Clark, V., Creswell, J., O'Neil Green, D., & Shope, R. (2008). Mixing quantitative and qualitative approaches: An introduction to emergent mixed methods research. In: S. HesseBiber & P. Leavy (Eds.) *Handbook of emergent methods*, New York: The Guilford Press.
110. Punch, Keith (2004). *Introduction to Social Research: Quantitative and Qualitative Approaches*. London: Sage Publications Ltd.
111. Randolph, J. (2009). *A Guide to Writing the Dissertation Literature Review*. *Practical Assessment, Research & Evaluation*, 14(13), 1-13.

112. Riley RD, Sauerbrei W, Altman DG. (2009). Prognostic markers in cancer: the evolution of evidence from single studies to meta-analysis, and beyond. *Br J Cancer*;100(8):1219-29.
113. Rochester, M. K., & Vakkari, P. (2004). *International library and information science research: a comparison of national trends*. IFLA professional reports. Retrieved February 15, 2016, from <http://archive.ifla.org/VII/s24/pub/iflapr-82-e.pdf>.
114. Sandelowski M, Voils CI, Barroso J. (2006). Defining and designing mixed research synthesis studies. *Res Sch.*, 13(1): 29.
115. Scott, J. (1990). *A Matter of Record-documentary Sources in Social Research*. Cambridge: Polity.
116. Shank, G. (2006). *Qualitative Research: A Personal Skills Approach*. Pearson, Merrill Prentice Hall.
117. Shaughnessy, J.J., & Zechmeister, E. B. (1997). *Research methods in Psychology* (4th ed.). Boston: MCGraw Hill.
118. Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.
119. Stern, P. N (1995). Eroding Grounded theory. In J.M . Morse (ed), *Critical issues in qualitative research methods* (212-223). Thousand oaks, CA: Sage.
120. Stewart, D. & M. Kamis. (1984). *Secondary Research: Information Sources and Methods*. CA: Sage.
121. Strauss, Anselm (1987) "Qualitative Analysis for Social Sciences" Cambridge University Press, New York.
122. Tashakkori A, Teddlie C.(2010). *Sage handbook of mixed methods in social & behavioral research*. Sage; 2010.
123. Tavakol, S., Dennick, R. and Tavakol, M. (2012). "Medical Students' Understanding of Empathy: A phenomenological study". *Medical Education*, (46): 306-316.
124. Thomas, David R. (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. *American Journal of Evaluation*. Vol27. No. 2.
125. Titscher, S., Meyer, M., Wodak, R. and Vetter, E. (2000). *Methods of Text and Discourse Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
126. Torraco, R. (2005). Writing Integrative Literature Reviews: Guidelines and Examples. *Human Resource Development Review*, 4(3), 356-367.
127. Toye F, Seers K, Allcock N, Briggs M, Carr E, Barker K.(2014). Metaethnography 25 years on: challenges and insights for synthesising a large number of qualitative studies. *BMC Med Res Methodol*, 14(1): 1-14.
128. Weed M.(2005). Meta interpretation: A method for the interpretive synthesis of qualitative research. *Forum, Qual Socio Res.*, 6(1).
129. Wetherell, J. L., Palmer, B. W., Thorp, S. R., Patterson, T. L., Golshan, S., & Jeste, D. V. (2003). Anxiety symptoms and quality of life in middle-aged and older outpatients with schizophrenia and schizoaffective disorder. *The Journal of clinical psychiatry*, 64(12), 1476-1482. <https://doi.org/10.4088/jcp.v64n1212>
130. Wiles, R., Crow, G. and Pain, H. (2011). "Innovation in Qualitative Research Methods: A narrative review". *Qualitative Research*, 11(5), pp. 587-604.
131. Wilkinson, David & Birmingham, Peter (2003). *Using Research Instruments: A Guide for Researchers*. London: Routledge.
132. Wortham, S. (2001). *Narratives in Action: A Strategy for Research and Analysis*. London: Sage Publications Ltd.
133. Zhang, Yan & Wildemuth, Barbara M. (2007). *Qualitative Analysis of Content*. In *ils. Unc. Edu*.